

پتانسیل‌ها و ظرافت‌های روابط ایران و اقلیم کردستان عراق

شهلا بهمن آبادی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۵

۱۴۹

چکیده

با بروز تحولات شتابان در منطقه شامات و بین‌النهرین، روابط ایران و کردهای عراق تابع نظم جدید و با الگوی خاصی شده است. از ۱۳۵۸ تا کنون کردهای عراق در هر برهه‌ای از زمان همواره از حمایت ایران برخوردار بوده‌اند که نمونه آن را می‌توان در گشودن مرزها به روی آوارگان کرد پس از فاجعه انفال دانست. اما طی سه دهه گذشته، اسرائیل و آمریکا هر کدام به طرقتی به پی‌گیری اهداف مشخصی در این منطقه حساس پرداخته‌اند و حضور مستقیم و غیرمستقیم این دو همواره سبب فرازونشیب روابط ایران - اقلیم شده است؛ چرا که ایران حضور آمریکا و اسرائیل را در این ناحیه تهدیدی جدی بر امنیت ملی خود قلمداد می‌کند، به ویژه آنکه در سال ۲۰۰۴ گروهک تروریستی پژاک با حمایت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا با هدف سرنگونی و مبارزه مسلحانه کردها با نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. قابلیت‌های متقابل روابط این دو بازیگر، موضوع اساسی مقاله است و از این ره‌گذر به ظرافت‌های آن نیز پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: آمریکا، رژیم صهیونیستی، ایران - اقلیم، گسترش روابط، ظرفیت‌ها و ظرافت‌ها

* دانش آموخته علوم سیاسی و محقق انرژی عراق

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال پانزدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۸۶ - ۱۴۹.

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نوع نگاه جمهوری اسلامی به مساله کرد بنا به مقتضیات زمانی و اهداف سیاست خارجی انقلاب اسلامی تغییر یافت و فصل نوینی در روابط ایران و شمال عراق گشوده شد. پس از چندی با حمله عراق به ایران و شروع جنگ هشت ساله توجه به کردهای عراق بیش از پیش شد و از این طریق کردها مجال یافتند به کمک ایران علیه صدام مبارزه کنند و این همکاری در ضربه زدن به رژیم بعث سبب انجام عملیات انفال علیه کردها و آوارگی چند هزار نفر و ویرانی بسیاری از مناطق کردنشین گشت.

با پایان جنگ، روابط ایران و شمال عراق به قوت خود باقی ماند اما به مرور زمان به سبب نزدیکی کردها به صدام دچار فراز و نشیب شد، به طوری که با وقوع شکاف بین دو حزب اصلی کرد (اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی)، حزب دموکرات برای ضربه زدن به اتحادیه از بغداد کمک گرفت و توانست نیروهای اتحادیه را از سلیمانیه بیرون براند و در این برهه ایران به حمایت از طالبانی پرداخت و وی توانست مناطق اشغال شده را مجدداً پس گیرد. فراز و نشیب در روابط ایران و شمال عراق تا انعقاد قرارداد واشنگتن (۱۹۹۸) و خاتمه درگیری‌های خونین دو حزب ادامه داشت. با حمله عراق به کویت و اعلام منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق توسط سازمان ملل متحد، کردها توانستند به تشکیل پارلمان کردی و تجربه حکومت‌داری در سطح محدود بپردازند و با ورود به سال ۲۰۰۳ و سرنگونی صدام به کمک قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، موفق شدند سهم بیشتری از قدرت کسب کنند.

از اشغال عراق تاکنون هرچند روابط ایران - اقلیم در سطوح مختلف سیاسی - اقتصادی پیشرفت‌هایی داشت، اما همواره توأم با نوعی محافظه‌کاری بوده؛ چرا که جمهوری اسلامی از اینکه اقلیم پایگاهی برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اسرائیل جهت ضربه زدن به ایران باشد، همواره ابراز نگرانی کرده است. ایران از تحرکات سازمان جاسوسی آمریکا و اسرائیل در اقلیم تحت پوشش فعالیت اقتصادی و تجاری و فعالیت گروهک تروریستی پژاک در این ناحیه ناخشنود است و همین عوامل سبب شده به‌رغم پیشینه روابط مثبت با کردها و قرابت‌های زبانی، نژادی و فرهنگی همواره نوعی محافظه‌کاری بر روابط حاکم باشد و این مساله به‌نفع هیچ‌یک از طرفین نخواهد بود؛ چراکه

هم ایران از یک حوزه نفوذ سیاسی - اقتصادی غافل می‌شود و هم اقلیم حمایت کشور هم‌جوار و دوست دیرینه خود را در صورت بی‌توجهی به نگرانی‌های ایران از دست می‌دهد.

این مقاله با استفاده از منابع مکتوب و الکترونیکی و بهره‌گیری از سخنان، موضع‌گیری‌ها، بیانیه‌ها و رفتار سیاسی بازیگران مورد مطالعه تنظیم شده و در آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. هدف اصلی آشنایی با روابط جمهوری اسلامی ایران و شمال عراق طی سه دهه گذشته، ترسیم نفوذ آمریکا و اسرائیل در این منطقه و ترسیم اثرگذاری این نفوذ در فرازونشیب روابط ایران و کردهای عراق است. نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سوال است که موانع و پتانسیل‌های ایران و اسرائیل در شمال عراق چیست؟ و این منطقه چه جایگاهی در معادلات ایران، اسرائیل و آمریکا دارد و زمینه‌ساز حضور این سه قدرت در شمال عراق چیست؟

فرضیه این است که، حضور و فعالیت اسرائیل در شمال عراق در راستای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه این رژیم تنظیم شده و در این بین آرمان استقلال‌طلبی کردها مناسب‌ترین بهانه برای اسرائیل در این منطقه است. این نفوذ به تدریج و در صورت بی‌توجهی مقامات اقلیم نسبت به حساسیت‌ها و نگرانی‌های ایران مانع عمده‌ای بر گسترش روابط طرفین تلقی می‌شود. در واقع عمده‌ترین موانع گسترش روابط را تا امروز دو عامل نفوذ آمریکا و اسرائیل در اقلیم و فعالیت‌های خراب‌کارانه پژاک به خود اختصاص داده‌اند. بر همین اساس، شناخت اهداف و اقدامات و زمینه نفوذ اسرائیل، آمریکا و گروهک تروریستی پژاک دارای اهمیت حیاتی و محوری است.

پرده نخست در روابط جمهوری اسلامی ایران و کردهای عراق

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جنبش کردی عراق فرصت یافت تا مبارزات خود را علیه حکومت عراق مجدداً آغاز کند. اولین مرحله از روابط جمهوری اسلامی ایران با کردهای عراق به می‌۱۹۷۹ و حزب دموکرات باز می‌گردد که در این سال قراردادی میان مسعود بارزانی و مصطفی چمران منعقد گردید و به موجب آن ایران پذیرفت نیازهای مالی، و تسلیحاتی - نظامی بارزانی را تامین کند و وضع پناهندگان و پیش‌مرگان حزبش را که در اردوگاه‌های ایران به سر می‌بردند، بهبود بخشد و در مقابل بارزانی متعهد شد حزبش را از عناصر چپ پاک‌سازی و در سرکوب

نیروهای حزب دموکرات کردستان ایران و کومله کردستان به نیروهای ایران کمک کند. (سازمند، کریمی و حسنیور، ۱۳۹۰، ۴۲)

در همین ایام اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی نیز سعی در برقراری رابطه با ایران داشت و پس از تلاش فراوان اجازه گشایش دفتر در تهران را از دولت موقت کسب کرد تا از این طریق مایحتاج مناطق کردنشین را از سوریه به تهران و سپس به شمال عراق منتقل کند. پس از چندی با شروع حمایت اتحادیه از کومله و دیگر گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، طالبانی که دخالت در امور داخلی ایران را رد می‌کرد، برای جلب رضایت و اعتماد ایران با سازمان‌های اسلامی عراق مانند حزب الدعوه که مورد حمایت ایران بود، رابطه برقرار کرد.

با آشکار شدن حمایت طالبانی از گروه‌های مخالف ایران در سال ۱۳۶۰، روابط ایران و اتحادیه تیره شد؛ به طوری که جمهوری اسلامی مجوز حمله اسلحه از تهران به شمال عراق را از اتحادیه لغو و حدود ۳۰۰ قبضه اسلحه متعلق به این حزب را توقیف کرد. با ورود به سال ۱۳۶۱، طالبانی برای برقراری مجدد رابطه با ایران به سوریه متوسل شد و سوریه نیز عبدالجبار الکیسی، رهبر حزب سوسیالیستی عراق، را به طور رسمی روانه ایران ساخت تا موجبات توافق میان ایران و طالبانی را فراهم آورد، اما تلاش‌های وی نیز ثمری نداشت. (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲، ۱۸۱)

در سال ۱۳۶۰، نیروهای نظامی ایران از توان رزمی بارزانی برای سرکوب عناصر حزب دموکرات کردستان ایران استفاده کردند و عملیات مشترکی را در دره قاسملو و ناحیه مرگور انجام دادند که منجر به آزادسازی شهر اشنویه در شهریور همان سال و بازپس‌گیری جاده سردشت - پیرانشهر در سال بعد شد و در ۱۳۶۲ با مشارکت محمود بارزانی، عملیات والفجر دو از سوی نیروهای نظامی ایران آغاز و منجر به آزادسازی شهرک حاج عمران شد.

در سال ۱۳۶۲ با به نتیجه نرسیدن مذاکرات ۱۳ ماهه طالبانی با بغداد، اتحادیه مجدداً خواستار مذاکره با ایران شد و در نهایت با صدور اعلامیه مشترک اتحادیه میهنی، حزب دموکرات، سوسیالیست و کمونیست کردستان عراق در سال ۱۳۶۵ مبنی بر ضرورت وحدت و فراموشی اختلافات و مقابله با صدام، ایران حاضر به آغاز دور جدیدی از روابط با اتحادیه میهنی گشت و در همین راستا اتحادیه برای نشان دادن حسن نیت خود عملیات وسیعی را علیه

ارتش عراق آغاز کرد که مهم‌ترین آن حمله به پالایشگاه کرکوک و کنترل ارتفاعات جاده‌های اطراف سلیمانیه بود. (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲، ۱۸۱) در واقع طی این دوره نیروهای ایران برای انجام عملیات خود نیاز به شناسایی مناطق مورد نظر و نفوذ در این مناطق داشتند و برای این منظور می‌بایست از عشایر، گروه‌ها و حتی احزاب کرد منطقه استفاده می‌شد و کردها نیز در این زمینه همکاری خوبی داشتند و اهداف و انگیزه‌هایی را از این همکاری دنبال می‌کردند؛ از جمله کسب حمایت ایران در مقابل صدام؛ بهره‌مندی از حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران؛ مبارزه مشترک با ایران علیه صدام حسین دشمن مشترک؛ و به دست آوردن پایگاه و پناهگاه امن برای مردم و نیروهای کرد عراقی در صورت حمله صدام.

در ۱۹۸۸ ارتفاعات سوق‌الجیشی ماعوت به کمک طالبانی و به دست نیروهای ایران فتح شد و در ۱۵ آوریل همان سال، اتحادیه و ایران شهر حلبچه را که مشرف به سد دربندی خان بود تصرف کردند و تلفات سنگینی را به نیروهای عراقی وارد آوردند. عراق به تلافی این اقدام اتحادیه حلبچه را بمباران شیمیایی کرد و پس از آن به دستور علی‌الحمد، پسر عمه صدام، عملیات موسوم به انفال علیه کردها صورت گرفت که موجب ویرانی ۱۲ شهر و شهرک و سه‌هزار روستا گردید و حدود نیم میلیون نفر آواره شدند. (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲، ۱۹۱)

روزنامه‌گردین چاپ لندن، بمباران شیمیایی حلبچه را متلاشی شدن حقوق بشر در قرن ۲۰ توصیف کرد و نوشت: «بمباران شیمیایی حلبچه بزرگ‌ترین جنایت جنگی عراق در جنگ علیه ایران است و دو انگیزه باعث انجام این عمل وقیحانه شد؛ یکی ضربه زدن به نیروهای ایرانی در حال پیشروی و دیگری سرکوب اقلیت کرد مورد غضب عراق.» (www.bultannnews.com) جنگ ایران و عراق و ایستادگی مردم ایران در مقابل تجاوز صدام، خود سبب احیای جنبش کردهای عراق شد که از نشانه‌های آن می‌توان به خروج از تبعید رهبران کرد و بازگشت آنها به عراق، انجام عملیات پارتیزانی مستقل در عراق، همراهی با نیروهای ایرانی در عملیات مختلف، یافتن حامیان قابل توجه منطقه‌ای (ایران - سوریه)، بین‌المللی شدن مساله کردهای عراق، تاسیس احزاب جدید از جمله حزب اسلام‌گرای کرد و به چالش کشیدن قدرت حضور و نفوذ دولت مرکزی در استان‌های کردنشین اشاره کرد. (bultannnews.com)

پرده دوم: ایران و آغاز جنگ داخلی در شمال عراق

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق و تشکیل نخستین پارلمان کردی در ۱۹۹۲، روابط ایران و کردهای شمال عراق همچنان حفظ شد و تاسیس فرماندهی نصر در ۱۳۷۱ را می‌توان در راستای ضرورت سازمان‌دهی مجدد تعامل با کردهای عراقی در بعد سیاسی دانست. از جمله اقدامات مهم دیگر طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی است. بازارچه‌های تمرچین، سیرانبند، بانه، باشماق و پرویز خان از اوایل دهه ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) با مجوز رسمی ایران فعال شد. این بازارچه‌ها در وضعیت تحریم حکومت اقلیم توسط رژیم بعثی نقش مهمی در تامین کالاهای ضروری به ویژه برای ساکنان سلیمانیه ایفا کردند و از همین طریق درآمدزایی برای مردم و حکومت اقلیم که از صادرات و واردات بازارچه‌ها مالیات می‌گرفت، محقق می‌شد. (حق پناه، ۱۳۸۷، ۱۸۵)

با اوج‌گیری جنگ داخلی در اقلیم از ۱۹۹۶، تعامل ایران با سلیمانیه (تحت نظر طالبانی) که بیشترین مرز مشترک را با ایران داشت، ادامه یافت. در این زمان بارزانی توانست به کمک ارتش عراق مناطق تحت تسلط طالبانی را تصرف و وی را به عقب‌نشینی وادار کند و سه روز پس از حمله اربیل، بارزانی‌ها مناطق کوی سنجق حلبچه و سلیمانیه را تصرف کردند. اما شش هفته پس از عملیات اربیل، طالبانی با سازمان‌دهی نیروها و تجدید قوا هجوم خود را از مناطق مرزی ایران آغاز کرد و سلیمانیه و شهرهای اطراف آن را همچون پنجوین و حلبچه پس گرفت و بارزانی را تا اربیل عقب راند.

با تقسیم رسمی کردستان به دو منطقه سلیمانیه تحت نفوذ طالبانی و اربیل تحت سلطه بارزانی، ایران از بهبود مناسبات پارتی و اتحادیه حمایت می‌کرد و این امر به منزله بهبود روابط با بارزانی و ایجاد توازن قدرت بین دو حزب اصلی شمال عراق تلقی می‌شد. با وجود تلاش‌های بسیار، مقامات ایران موفق به برقراری آشتی بین دو حزب شمال عراق نشدند و در این زمان آمریکا برای جلوگیری از مصالحه کردها با رژیم بعث، جلوگیری از نفوذ ایران در بین کردها و افزایش نفوذ خود مذاکراتی را با دو حزب آغاز کرد که در نهایت منجر به توافق‌نامه واشنگتن در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۸ شد، اما این موافقت‌نامه نیز در عمل به علت متن غیرکارشناسی، تفسیرپذیر و غیرصریح آن کمک چندانی به حل مشکلات نکرد.

با ایجاد سیستم فدرالی در عراق پس از اشغال ۲۰۰۳، کردها امکان یافتند به تقویت موضع خود در منطقه اقلیم کردستان بپردازند و با مطرح نمودن خود به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای سعی در گسترش روابط خود با کشورهای همسایه داشته‌اند و در این میان کردها بیشترین روابط اقتصادی را با ترکیه و بیشترین روابط سیاسی را با ایران دارند. طی سال‌های اخیر سفرهای دیپلماتیک متقابل اقلیم و ایران سبب شده مرزهای مشترک طرفین مانند حاجی عمران، پنجوین، مریوان، باشماق و پرویزخان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. از جمله می‌توان به سفر مسعود بارزانی، نچيروان بارزانی، برهم صالح و دیگر مقامات کرد به تهران اشاره کرد.

سفرهایی که بین تهران و اربیل صورت می‌گیرد، می‌تواند در رفع سوءتفاهم‌ها و شبهه‌زدایی‌ها از روابط طرفین موثر باشد و کمک شایانی به درک تحولات، رویکردها و دغدغه‌های دوطرف نماید و در صورت توجه بیشتر به محورهای مورد بحث در این قبیل مذاکرات، می‌توان به گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های راکد و مغفول دست یافت. شمال عراق فرصت‌ها، زمینه‌ها و استعدادها، خوبی برای تعامل با ایران به‌ویژه در حوزه اقتصادی دارد، اما متأسفانه برخی از ناهماهنگی‌ها، بی‌توجهی‌ها و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی ایران سبب شده جمهوری اسلامی ایران نتواند از فرصت‌های موجود در اقلیم آن‌گونه که شایسته است، استفاده کند.

روابط اقتصادی ایران و اقلیم: چالش‌ها و قابلیت‌ها

روابط اقتصادی ایران و کردهای عراق مشخصاً به سال‌های مبارزه کردها با رژیم بعث بازمی‌گردد و طی این دوره بیشتر نیازهای مناطق کردنشین عراق به‌ویژه سلیمانیه که مرز بیشتری را با ایران دارد، از طریق جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شد. این روند با ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق و دخالت‌های آمریکا و متحدینش در این منطقه همچنان ادامه یافت و در اوایل ۲۰۰۰ روابط اقتصادی ایران و کردهای عراق از شکل پبله‌وری و دلالی تا حد بسیاری خارج و با نظارت دولت اولین روابط تجاری رسمی طرفین از مرز باشماق آغاز شد. در این سال کل فعالیت مبادلات طرفین به ۱۰۰ میلیون دلار رسید.

از سال ۲۰۰۰ به بعد تلاش‌هایی برای بهبود روابط تجاری دو طرف صورت گرفت که نمونه

آن ایجاد بازارچه‌های بزرگ مرزی و رسمی نمودن مرز باشماق در مریوان، پرویزخان در کرمانشاه و تمرچین در پیرانشهر به سال ۲۰۰۱ است. از میان هفت نقطه مرزی ایران و اقلیم به نام‌های خسروی، باشماق، پرویزخان، نوسرود، بانه، قاسم رش و حاج عمران، منطقه پرویزخان به جهت همسایگی با استان سلیمانیه فعالیت بیشتری دارد که عمده تجارت این بازارچه با شهرهای کلار، سلیمانیه، موصل، خانقین و کرکوک است. پس از سقوط صدام به دلیل نیاز مردم کرد عراق، این بازارچه رونق بیشتری یافت به طوری که روزانه ۳۰۰ هزار دلار مبادلات مرزی انجام می‌شد.

بازارچه مرزی پرویزخان مهم‌ترین مرز تجاری طرفین است و از مهم‌ترین دلایل رونق و افزایش میزان صادرات آن همان‌طور که ذکر آن رفت، نزدیکی به مراکز مهم اقتصادی عراق و قیمت مناسب کالاهای آن است. از این بازارچه در سال ۱۳۹۱، دو میلیون و ۴۳۱ هزار دلار کالا به شمال عراق صادر شده است و در همین سال فعالیت کل بازارچه‌های مرزی ایران و اقلیم به بیش از چهار میلیارد دلار بدون محاسبه مبادلات مربوط به فرآورده‌های سوختی رسید. مهم‌ترین کالاهای صادر شده از مرز ایران به اقلیم، سیمان فله‌ای، مواد سوختی، خودروهای سواری، سیمان پاکتی، مواد لبنی، مواد پلاستیکی، فرش ماشینی، پارچه، الیاف، مصنوعات فلزی، چوب صنعتی، چادر مسافرتی، و محصولات کشاورزی است. گسترش مبادلات مرزی و رونق بخشیدن به آن برای هر دو طرف دارای فوایدی است از جمله:

- تسهیل حضور در بازار کشور طرف معامله؛
 - اشتغال‌زایی و افزایش درآمد مردم مرزنشین؛
 - حل معضلات قاچاق کالا و افزایش امنیت منطقه؛
 - جمع‌آوری سرمایه‌های راکد و هدایت آنها به سمت تجارت؛ و
 - توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین و تامین مایحتاج ضروری مردم این مناطق.
- با وجود تمایل طرفین به گسترش مبادلات تجاری، تقویت نسبی بازارچه‌ها و روابط حسنه طرفین طی سال‌های گذشته، ایران نتوانسته است آن جایگاهی را که شایسته است در بازار اقلیم بیابد از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ در کردستان عراق حدود ۴۶۰ شرکت ایرانی و ۱۸۲ شرکت ترک وجود داشت، اما در سال ۲۰۱۳ تعداد شرکت‌های فعال ترک در اقلیم به بیش از ۸۶۰ عدد می‌رسد

و شرکت‌های فعال ایرانی به کمتر از ۱۰۰ عدد رسیده است. حتی مبادلات مرزی ترکیه با اقلیم چند برابر مبادلات تجاری ایران با شمال عراق است، به طوری که در سال ۱۳۹۱ درآمد بازارچه مرزی حاج عمران به ۳۲۹ میلیارد دینار رسید، در حالی که درآمد مرز ابراهیم خلیل ترکیه با اقلیم در همین زمان به شش تریلیون دینار رسید. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱، ۲۸)

شواهد حاکی از آن است که اقلیم زمینه خوبی برای مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری دارد و اکنون که رقابت برای بهره‌برداری از فرصت‌هایی همچون بازار تازه اقلیم بالا گرفته است، زمان آن رسیده که ایران در سیاست‌های خود تجدیدنظر کند، در غیر این صورت، سود حاصل از تجارت با اقلیم را کشورهای کسب می‌کنند که نه به اندازه ایران با کردها قرابت فرهنگی، نژادی و زبانی دارند و نه طی سال‌های جور بعضی‌ها نسبت به کردها به آنان پناه داده‌اند.

موانع بهبود روابط اقتصادی ایران و کردهای عراق

اصلی‌ترین موانع ارتقای مناسبات اقتصادی ایران - اقلیم بدین شرح‌اند:

یک. نگاه امنیتی به اقتصاد: در نگاه ایران ابتدا باید امنیت به‌طور کامل در مرزها برقرار شود و بعد به مسائل اقتصادی با اقلیم پرداخت، اشکال این نگاه در این است که سبب می‌شود فرصت‌های اقتصادی ناب اقلیم به‌عنوان بازار نوتاسیس در منطقه از دست برود. بهتر است امنیت را از طریق گسترش روابط تجاری دنبال کرد و مسائل سیاسی و اقتصادی را از یکدیگر تفکیک نمود تا روابط اقتصادی تحت‌الشعاع روابط سیاسی قرار نگیرد و حتی می‌توان از اقتصاد به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ و گسترش روابط سیاسی بهره گرفت.

دو. مناسبات اقتصادی طرفین در صادرات نفت: ایران به دلیل دارا بودن ذخایر عظیم نفتی طی سال‌های گذشته، همواره درصدد افزایش تولید و صادرات نفت و به‌تبع آن افزایش درآمدهای نفتی خود بوده و اغلب نسبت به صادرات غیرنفتی و دیگر زمینه‌های اقتصادی غفلت کرده است. اما شرایط فعلی یعنی تحریم نفتی ایران و از طرفی وجود پتانسیل‌های بالای بازار کردستان عراق بایستی مسئولان کشور را متقاعد به کاهش وابستگی نفتی و توجه بیش از پیش به فرصت‌های اقلیم کردستان کند.

سه. صادرات کالاهای با کیفیت پایین که سبب بدبینی مردم اقلیم نسبت به کالاهای ایرانی شده است: طی یک ماهه نخست سال ۲۰۱۲ بیش از دوهزار تن محصول نامرغوب و پلاسیده کشاورزی از جمله ۱۳۰۶ تن سیب زمینی، ۱۴۲ تن گوجه فرنگی، ۸۳ تن سیب، ۲۰ تن خیار و ... از اقلیم به ایران پس فرستاده شد. (www.kurdpress.com) نچیروان بارزانی در این خصوص گفت: «با توجه به نیاز منطقه، ما از بخش خصوصی ایران و خرید کالاهای ایرانی استقبال می‌کنیم منتها تجار ایرانی نیز باید کالاهای خود را با کیفیت و قیمت مناسب در اختیار مردم اقلیم قرار دهند. شرایط هم‌اکنون به‌گونه‌ای است که ما می‌توانیم با گسترش روابط اقتصادی و تجاری به تعمیق روابط تاریخی پرداخته و به برقراری ثبات و امنیت منطقه کمک کنیم.» (www.semnan.irna.ir)

چهار. عدم شناخت کافی طرفین از امکانات و فرصت‌های موجود: تجار ایرانی طی سال‌های اخیر بیشتر نیروی خود را صرف صادرات کالا به اقلیم کرده‌اند و اکنون بازار اقلیم از این نظر اشباع شده و لازم است برای گسترش روابط اقتصادی از دیگر فرصت‌های موجود در اقلیم بهره‌جست؛ مانند سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، کشاورزی، حمل و نقل، راه‌سازی و غیره. در این زمینه محمد حاجی محمود از رهبران کرد بیان داشت: «از جمهوری اسلامی ایران خواسته و می‌خواهیم بیش از هر کشور دیگری در عرصه‌های مختلف سازندگی، سرمایه‌گذاری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کردستان عراق حضور داشته باشند ... شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری ترکیه در اقلیم دو برابر ایران است، هرچند روند بهتری از قبل میان ما و ایران در این زمینه‌ها وجود دارد، اما تا دستیابی به نقطه مطلوب فاصله داریم ... انتظار داریم ایران اقدامات جدی‌تر و حضور فعالانه‌تری داشته باشد و مطمئناً ما نیز شرایط را بهتر از قبل برای این حضور مهیا می‌کنیم.» (www.kurdpress.com)

پنج. بی‌توجهی به مفاد توافق‌نامه اجلاس ۳+۳: در این اجلاس که در ۱۳۹۰ بین سه استان مرزی ایران و سه استان مرزی اقلیم منعقد شد، توسعه انجام امور مرزی و گمرکی در باشماق مریوان و تامین برق محدوده مرزی اقلیم کردستان عراق یکی از بندهای مهم این توافق‌نامه بود، اما طرف عراقی هنوز اقدامی برای اجرای مفاد موافقت‌نامه نکرده است. (www.farsnews.com, 1391)

شش. فقدان تسهیلات مربوط به تردد آسان: در حالی که کردستان لغو روادید کرده است و اتباع ایرانی به راحتی وارد اقلیم می‌شوند، بازرگانان و مردم اقلیم هنگام ورود به ایران با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند و از آنجا که ایران لغو روادید نکرده است و اخذ روادید زمان زیادی می‌برد، رغبت سرمایه‌گذاری اقلیم در ایران کاهش می‌یابد.

هفت. نیازهای بازرگانان کردستان: بازرگانان کردستان هنگام ورود به ایران نیاز به اقامت، دفتر، وکیل، شماره حساب و غیره نیاز دارند که این موارد به راحتی فراهم نمی‌شود و هنوز این اعتماد بین سیستم بانکی ایران و کردستان وجود ندارد که بتوانند ضمانت فعالیت‌های تجاری یا سرمایه‌گذاری را کنند و حکومت اقلیم برای واگذاری یک پروژه به شرکت ایرانی ضمانت می‌خواهد که نبود این فاکتور موجب می‌شود برخی از فعالیت‌ها صورت نگیرد.

با وجود موانع فوق، برگزاری اولین اجلاس همکاری اقتصادی ایران و اقلیم در آبان ۱۳۹۱ و امضای توافق نامه ۱۸ بندی میان علی سعیدلو، معاون امور بین‌الملل رییس‌جمهور، و نچیروان بارزانی، نخست وزیر اقلیم، می‌تواند نقطه عطفی بر گسترش روابط اقتصادی محسوب شود. مهم‌ترین مفاد این موافقت‌نامه تجهیز مرزهای مشترک، رسمی شدن مرز سیرانیند، توسعه همکاری سازمان‌های استاندارد ایران و اقلیم، تشکیل کمیته داوری برای حل مسائل مابین افراد حقیقی و حقوقی که در کار مبادلات مرزی نقش دارند، تشکیل بیمه مشترک، توسعه همکاری‌های بانکی و قانونمند کردن ثبت شرکت‌ها می‌باشد (www.semnan.irna.ir) علی سعیدلو در این خصوص بیان می‌دارد: «امید کاملی دارم که در این گفت‌وگوها در جهت گسترش تمامی روابط در اسرع وقت ممکن موفق خواهیم شد. در بخش‌های مختلف از جمله روابط خارجی تا امور دارایی، کشاورزی، صنعت و تجارت به توافقات زیادی رسیده‌ایم و این آمادگی را برای گسترش روابط داریم. همچنین در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و ... روابط پایدار و ریشه‌ای با یکدیگر داریم چرا که دو کشور دوست و همسایه هستیم و خواهیم ماند.» (www.kurdpress.com)

مقامات اقلیم بارها تمایل خود را به گسترش روابط اقتصادی با ایران ابراز داشته‌اند و نچیروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم، در اولین اجلاس همکاری اقتصادی ایران و کردستان عراق در اربیل گفت: «ما و جمهوری اسلامی ایران دارای مشترکات فراوان فرهنگی و تاریخی هستیم و می‌توانیم با حسن

هم‌جواری و احترام متقابل در جهت تقویت هرچه بیشتر این روابط گام برداریم، بازار اقلیم کردستان هم‌اکنون کاملاً رقابتی است و برای رفاه و آسایش هرچه بیشتر این منطقه و مردم از حضور بخش خصوصی ایران در همه زمینه‌ها استقبال می‌کنیم.» (<http://iieda.gov.ir>)

آنچه در عمل به گسترش روابط اقتصادی طرفین کمک می‌کند عبارتند از:

- حل مشکلات صدور روادید برای بازرگانان اقلیم هنگام ورود به ایران؛

- جلوگیری از بسته شدن ناگهانی مرزها؛

- امضای موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی و اهمیت دادن به مفاد آنها؛

- تقویت بازارچه‌های مرزی جهت انتقال کالاهای مرغوب به اقلیم؛

- فعال‌تر شدن اتاق مشترک بازرگانی ایران و اقلیم؛ و

- منعطف ساختن قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.

آنچه زمینه حضور فعالانه ایران را در اقلیم فراهم می‌کند، توجه به پتانسیل‌های زیر است:

- قوانین حمایتی و معافیت‌های مالیاتی هفت ساله برای سرمایه‌گذاری خارجی در اقلیم؛

- وجود ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک و هفت نقطه مرزی بین ایران و اقلیم؛

- خواست طرفین جهت افزایش مبادلات مرزی و کمک به پیشرفت اقتصادی و بهبود وضع

معیشتی مرزنشینان؛

- پیشنهاد مثبت روابط سیاسی - اقتصادی طرفین؛ و

- تخصیص وام‌های دو میلیون دلاری به شرکت‌های سرمایه‌گذار در اقلیم.

روابط سیاسی ایران و اقلیم کردستان از ۲۰۰۳ تا کنون

در زمینه روابط سیاسی نیز اقلیم کردستان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود ناگزیر به داشتن روابط حسنه با کشورهای هم‌جوار خود است تا بدین طریق از حجم فشارهای احتمالی بکاهد. با درک این مساله و با توجه به اشتراکات فرهنگی زبانی، نژادی و روابط دوستانه ایران و اقلیم طی سال‌های پیش از اشغال عراق، در زمان حاضر مقامات اقلیم به ایران بیش از دو کشور ترکیه و سوریه امید دارند و این مساله را بارها در سخنان خود عنوان کرده‌اند. به‌عنوان نمونه

نچیروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم، طی سفر خود به تهران و ملاقات با رییس‌جمهور در آبان ۱۳۹۱ گفت: «جمهوری اسلامی ایران در مقاطع سخت به ما کمک کرده است و امروز نیز برای آبادانی و یک‌پارچگی خود به پشتیبانی برادرانه ایران نیاز داریم و مصمم به گسترش روابط سیاسی هستیم.» (<http://iieda.gov.ir>)

همین‌طور جعفر ابراهیم از مسئولان حزب دموکرات اقلیم گفت: «برخی از مردم دنیا به ما انتقاد می‌کنند که چرا ما دوست نزدیک ایران هستیم، ما این موضوع را مخفی نکرده‌ایم و همیشه گفته‌ایم که ایران بر ما بزرگی دارد و ما به ایران چشم دوخته‌ایم.» (فصلنامه گفتگو، ۱۳۹۰، ۳۳)

با وجود تمایل مقامات اقلیم به گسترش سطح روابط سیاسی با ایران، موانعی در این زمینه وجود دارد که بی‌توجهی به آنها علاوه بر اینکه دوستی ایران - اقلیم را خدشه‌دار می‌کند، می‌تواند در بلندمدت موجبات تیرگی روابط و دوری طرفین را در پی داشته باشد.

چالش‌های بهبود روابط سیاسی

یک. نفوذ فزاینده اسرائیل و آمریکا در اقلیم

پیشینه روابط کرد-یهود به فعالیت‌های آژانس یهود که پیش از شکل‌گیری دولت اسرائیل تاسیس شد، باز می‌گردد و با شکل‌گیری دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ توجه رژیم صهیونیستی به کردستان عراق و برقراری روابط با این ناحیه به مرحله جدیدی وارد شد و با ورود به دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ و دوران جنگ‌های جدایی‌طلبانه کردها با عراق، اسرائیل موفق به عملی ساختن نفوذ خود شد؛ تا جایی که اسرائیل در ۱۹۶۷ سلاح‌های ساخت شوروی را که از ارتش‌های عربی به‌دست آورده بود، برای کردها فرستاد.

با ورود به سال ۱۹۷۵ و عقد قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، حمایت اسرائیل از کردها نیز کمرنگ شد، اما نیاز رژیم صهیونیستی به متحدان غیرعرب همچنان باقی ماند. به‌همین جهت رابطه کرد-یهود از سر گرفته شد؛ چراکه به باور یهودیان ملت کرد و آرامنه حس تاریخی زیادی با یهودیان دارند و می‌توانند متحدان مناسبی برای آنها باشند. علنی شدن حمایت اسرائیل از کردها در ۱۹۸۰ توسط مناخیم بگین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، صورت گرفت و در همین

زمان بود که سرویس اطلاعاتی کردها به نام «پرستین» تاسیس شد و واحد جاسوسی اسرائیل در مناطق کردنشین به فعالیت پرداخت. (بهمن آبادی، ۱۳۹۱)

در ۱۹۹۹ روابط کرد - اسرائیل در پی دستگیری عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک، تیره شد که متعاقب آن بنیامین نتانیاهو هرگونه دخالت سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) را در دستگیری اوجالان رد کرد. با فروکش کردن بحران اوجالان، حمله آمریکا به عراق و نقش کردهای این کشور در همکاری با آمریکا علیه صدام، روابط رژیم صهیونیستی و کردهای شمال عراق مجدداً تقویت شد.

با سقوط صدام دامنه فعالیت اسرائیل در بین کردها که از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی آغاز شده بود گسترش یافت، به طوری که دفاتر موساد در داخل پایگاه‌های آمریکایی پراکنده در سرتاسر عراق مستقر شدند و پایگاه‌های جاسوسی خود را در موصل نزدیک کاخ ریاست جمهوری این شهر مستقر کردند و در کرکوک نیز پایگاهی برای خود تاسیس کردند تا زمینه حضور شرکت‌های نفتی اسرائیلی را که از سوی شرکت‌های امنیتی اسرائیل حمایت می‌شدند، فراهم سازند. همچنین اسرائیلی‌ها وام‌هایی را با بازپرداخت آسان به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار در اوایل اشغال عراق در اختیار دوستان خود قرار دادند تا آنها بتوانند زمین‌های متعلق به عرب‌ها و ترکمن‌ها را در شمال عراق خریداری کنند. علاوه بر اعطای وام برای خرید زمین، اسرائیل سعی نموده با ایجاد فضای رعب و وحشت زمینه آواره‌سازی مسیحیان کلدانی از شمال عراق را برای تسلط بر این مناطق فراهم آورد. در این زمینه وین مادسن (خبرنگار آمریکایی) گزارش داد: «سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) در کشتن مسیحیان کلدانی عراق در موصل، اربیل، حمدانیه، تل اسقف، قره قوش، عقره و غیره دست دارند ... سرویس‌های جاسوسی موساد، مسیحیان کلدانی را با هم‌دستی گروه‌های مزدور و با هماهنگی با شبه‌نظامیان کرد می‌کشد و قتل آنها را به القاعده نسبت می‌دهد تا زمینه آواره‌سازی اجباری مسیحیان کلدانی و تخلیه این مناطق را به‌منظور تسلط بر این مناطق فراهم کند.» (<http://www.shamsevelayat.com>)

در واقع نفوذ در اقلیت‌های قومی و نژادی و برقراری ارتباط با آنها بخشی از اهداف رژیم صهیونیستی را در خاورمیانه تشکیل می‌دهد که نخستین بار توسط بن‌گورین، نخستین

نخست‌وزیر اسرائیل، تحت‌عنوان راهبرد اتحاد پیرامونی مطرح شد. در واقع فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اسرائیل در کردستان عراق از ۲۰۰۳ تاکنون متنوع و گسترده بوده که می‌توان از جمع آنها به ایجاد سازمان امور خیریه در اربیل، شرکت تجاری مریوان در دهوک، کمپانی اینتروپ که در زمینه مهمات و تسلیحات فعالیت می‌کند و بیشترین قرارداد نظامی-تسلیحاتی را با اقلیم دارد، شرکت باواچی برای اکتشاف نفت در کرکوک، شرکت سونول در زمینه سوخت و فرآورده‌های نفتی و ... اشاره کرد.

علاوه بر مکان‌های فوق که مضاف بر کار تجارت، فعالیت‌های جاسوسی را هم تحت پوشش شرکت‌های تجاری سازمان‌دهی می‌کنند، از دیگر مقرهای جاسوسی اسرائیل در اقلیم می‌توان به هتل خانزاد و شرایتون در اربیل، انتهای پل قدیم در موصل و محله ابراهیم پاشا در سلیمانیه اشاره کرد. اما مهم‌ترین فعالیت سیاسی صهیونیست‌ها در کردستان عراق برقراری رابطه با رهبران و عناصر بانفوذ کرد عراقی، برقراری رابطه دیپلماتیک با اقلیم و در نهایت جذب و به‌کارگیری افراد هم‌سو با اهداف اسرائیل در بدنه سیاسی عراق است.

در زمینه اطلاعاتی نیز نیروهای اسرائیلی ۱۷ باب ساختمان را در حی البابل اجاره و افسران اطلاعاتی خود را در آنجا مستقر کرده‌اند. این ساختمان‌ها مجهز به دستگاه‌های ارتباطی بسیار پیشرفته هستند و با دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل در سلیمانیه، اربیل، بصره و نیز با سفارت آمریکا در بغداد ارتباط مستقیم دارند و موساد از این طریق و با استفاده از موقعیت سوق‌الجیشی کردستان عراق و استفاده از نیروهای جدایی‌طلب کرد گاهاً به جاسوسی در کشورهای هم‌جوار اقلیم می‌پردازند. (<http://www.nedayenghelab.com>)

اهداف وانگیزه‌های اسرائیل از نزدیکی به کردهای عراق

- اسرائیل از گسترش روابط با کردهای شمال عراق چند هدف را دنبال می‌کند:
- استفاده از منابع نفت و منابع معدنی سرشار اقلیم؛
- نزدیکی به ایران و انجام فعالیت‌های خراب‌کارانه و جاسوسی علیه جمهوری اسلامی ایران،
- فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای در شمال عراق به‌منظور یهودی‌سازی مردم این منطقه،

- نزدیکی به احزاب و رهبران کرد و استفاده از آنها در مواقع لزوم،
 - دسترسی و نفوذ در جامعه کرد ایران،
 - ایجاد فضای حیاتی برای خود و بالابردن قدرت چانه‌زنی برای فشار بر ایران، ترکیه، سوریه
 و عراق،

- سرمایه‌گذاری در بازار کردستان عراق به‌عنوان یک بازار نوپدید،
 - کنترل جریان‌های فکری و ایجاد واگرایی سیاسی - امنیتی برای جلوگیری از شکل‌گیری
 گفتمان مقاومت،

- تحریک کردها به جدایی‌طلبی برای منحرف ساختن ذهن آنها از مسائل اساسی‌تر و کسب
 مشروعیت برای خود به‌عنوان یک ملت بدون دولت در صورت استقلال اقلیم، و

- تلاش برای جلوگیری از یک دولت قدرتمند یک‌پارچه شیعی در عراق که متحد ایران باشد.
 گرایش‌های سکولار در میان کردها، پیشینه تاریخی یهودیان کرد در عراق، اختلافات داخلی
 بین گروه‌های کرد، دشمنی کردها با اعراب و تلاش کردها برای دستیابی به استقلال و تشکیل
 دولت مستقل کردی، مجموعه عواملی هستند که زمینه را برای حضور اسرائیل در شمال عراق
 فراهم می‌کند. (اخوان‌کازمی و عزیز، ۱۳۹۰، ۱۵۶) شواهدی همچون چاپ مجله‌ای
 تحت‌عنوان *اسرائیل-کرد* در اردیبهشت سال ۲۰۱۰ که با مجوز رسمی کردستان عراق به چهار زبان
 انگلیسی، عربی، ترکی و کردی منتشر می‌شود و عدم مخالفت مقامات کردستان با تاسیس
 کنسول‌گری اسرائیل در اقلیم نشان از زمینه و تمایل طرفین برای گسترش روابط دارد، به‌طوری
 که مسعود بارزانی چندی پیش گفت: «اگر حکومت عراق روابط خود را با اسرائیل آغاز کند، من
 نیز موافق ایجاد کنسول‌گری اسرائیل در اردیبهشت هستم.» (<http://www.akamnews.com>)

در واقع مقامات اقلیم معتقدند بدون داشتن یک حامی قدرتمند، دستیابی به برخی اهداف
 بسیار دشوار خواهد بود، از این‌رو علاوه بر تلاش برای گسترش زیرساخت‌های صنعتی، حمل‌ونقل
 و ارتباطات در منطقه، حضور اسرائیل را در راستای ارتقای اقتصادی و فنی خود می‌دانند و
 برقراری رابطه وسیع‌تر با اسرائیل را فرصتی برای گسترش و تقویت حاکمیت کردی، آموزش
 پیشمرگه‌ها، یافتن متحد خارجی در عرصه بین‌الملل قلمداد می‌کنند. به همین خاطر است که

مقامات ایران معتقدند اسراییل به شیوه‌های مختلف و با وجود تمایل از سوی اقلیم امکان حضور غیررسمی و با واسطه را در شمال عراق از طریق شرکت‌های تجاری و سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در سایر کشورها داراست و از این طریق اقدامات مخرب خود را علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان‌دهی می‌کند.

موضع دوگانه آمریکا با اقلیم کردستان

۱۶۵

در خصوص رابطه با آمریکا، کردها معتقدند با حمایت آمریکا بود که پس از جنگ اول خلیج فارس در ۱۹۹۱ منطقه امن در کردستان عراق شکل گرفت و با میانجی‌گری آمریکا بود که درگیری‌های دو حزب کرد (پارتی و یکیتی) بر اساس توافق‌نامه واشنگتن ۱۹۹۸ پایان یافت و حتی قدرت‌یابی کردها در عراق فدرال نمی‌توانست بدون موافقت ایالات متحده صورت گیرد و این شور همواره از فرایند دولت‌سازی در عراق جدید و ایجاد نهاد حکومتی که در آن کردها نقش فعالی داشته باشند، حمایت جدی کرده است. در این زمینه ناظم دباغ، نماینده اقلیم در ایران، گفت: «زمانی بود که همه گروه‌های معارض اعم از مسلمان و کمونیست و المانیه و ... در ایران گرد هم آمده بودیم و با کمک جمهوری اسلامی ایران برای سرنگونی صدام تلاش می‌کردیم، اما تا زمانی که نیروهای خارجی در این امر دخالت نکردند موفق به این کار نشدیم ... نتیجه حضور نیروهای خارجی مثبت بوده، اگر آنها نمی‌آمدند صدام نمی‌رفت ... واقعیت امر این است که ما کردها رای به ماندن آمریکایی‌ها در عراق داریم.» (<http://yalasarat.com>)

با وجود این، کردها هنوز اقدامات آمریکا را که موجب تضییع حقوق و زحمتشان شد، فراموش نکرده‌اند که نمونه آن مشارکت ایالات متحده در انعقاد قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ و سکوت آمریکا در بمباران شیمیایی حلبچه و عملیات انفال در دهه ۱۹۸۰ بود. در واقع رهبران کرد آگاهند که آمریکا در مواقع لزوم از کردها صرفاً به‌عنوان یک برگ برنده برای ایجاد توازن در منطقه استفاده می‌کند، با این حال سعی کرده‌اند روابط خود را با آمریکا حفظ کرده و از قدرت و نفوذ این کشور جهت دست‌یابی به برخی اهداف خود استفاده کنند، آمریکا نیز با توجه به نیازهای امنیتی و اهداف منطقه‌ای خود نیازمند جلب همکاری کردهاست.

با وجود مسائل فوق، از ۲۰۰۳ تا کنون شاهد گسترش فزاینده روابط اقلیم و آمریکا بوده‌ایم که یکی از نشانه‌های آن سفرهای مسعود بارزانی، رییس اقلیم، به واشنگتن و گفت‌وگو با مقامات بلندپایه آمریکاست. بارزانی در سفر خود در اردیبهشت ۱۳۹۱ به آمریکا با جوزف بایدن، معاون اوباما، ویلیام جیمز، معاون وزیر خارجه، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه، دیدار و گفت‌وگو کرد. در واقع آمریکا دو هدف را از دعوت بارزانی به واشنگتن و برخورد با او همچون رییس یک کشور مستقل دنبال می‌کرد، یکی القای این پیام به بارزانی که آمریکا خواهان گسترش روابط خود با شمال عراق است، و دیگر اینکه آمریکا حاضر است این روابط را حفظ کرده و گسترش دهد حتی اگر بخشی از آن به‌ضرر بغداد تمام شود. (<http://www.islamtimes.org>) این سفر سه دستاورد برای اقلیم داشت:

الف. بیان دغدغه‌ها و نگرانی‌های سیاسی - امنیتی طرفین و نزدیک شدن دیدگاه‌ها؛

ب. تالیس شورای تجاری آمریکا-کردستان به ریاست جیمز جونز، مشاور امنیتی سابق اوباما؛

ج. توافق برای ارائه خدمات بیشتر توسط کنسول‌گری آمریکا در اربیل.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و اصلاحیه قانون مهاجرت این کشور، اعضای گروه‌هایی که قبلاً با رژیم‌های خود مبارزه مسلحانه کرده‌اند، هنگام درخواست ویزا تروریست محسوب می‌شوند و صدور ویزا برای آنها مستلزم این است که ثابت شود فرد درخواست‌کننده خطر امنیتی برای آمریکا ندارد و این قانون اعضای دو حزب اتحادیه و پارتی را نیز شامل می‌شود و آنها نمی‌توانند به‌راحتی به آمریکا سفر کنند، به‌همین خاطر طی این دیدار موافقت شد تا کنسول‌گری آمریکا در اربیل اقدام به ارائه خدمات گسترده‌تر کنند تا طی چند سال آینده مشکلات سفر به آمریکا برای اعضای دو حزب حل شود. (<http://www.kurdpress.com>) علاقه رییس اقلیم به آمریکا و کنسول‌گری این کشور در خاک اربیل تا جایی است که وی در دیدار با پاول استیفان، مقام اول دفتر کنسول‌گری آمریکا، گفت: «فعالیت کنسول‌گری آمریکا در این منطقه باعث امیدواری و اطمینان خاطر برای ساکنان آن است.» (<http://www.islamtimes.org>)

با توجه به روابط حسنه طرفین، سرمایه‌گذاری آمریکا در اقلیم از ۲۰۰۳ تاکنون روند افزایشی داشته است که نمونه آن عقد شش قرارداد در شش میدان نفتی اقلیم با تاکسون موبیل آمریکاست و جالب آنکه دو میدان از این شش میدان نفتی در مناطق مورد مناقشه اربیل - بغداد

قرار دارد. پس از تاکسون موبیل، شورون دومین شرکت نفتی آمریکا بدون موافقت دولت مرکزی عراق به عقد قرارداد دو میدان نفتی با اقلیم مبادرت کرد و بغداد نیز این اقدام را غیرقانونی می‌داند. شرکت شورون ۸۰ درصد سهام این قرارداد را در اختیار دارد و مابقی سهم قرارداد به او.ام.وی.ای. جی. اتریش تعلق دارد. طبق قرارداد بخش‌های تحت کاوش در شمال اربیل به مساحت ۱۱۲۴ کیلومتر واقع شده است. (<http://www.bazarkhabar.ir>)

به اعتقاد بارزانی جذب شرکت‌های نفتی خارجی به خصوص آمریکایی و اروپایی به کردستان عراق سبب هم‌سویی کشورهای غربی با سیاست‌های اقلیم می‌شود و به این ترتیب حکومت اقلیم می‌تواند علاوه بر دستیابی به اهداف، در سطح عراق به ایفای نقش بپردازد. به‌همین خاطر طی این سال‌ها همواره تلاش اقلیم بر آن بوده که شرایط قراردادها را به‌گونه‌ای تنظیم کند که شرکت‌های آمریکایی رغبت بیشتری برای سرمایه‌گذاری نشان دهند؛ البته در این مدت کردها همواره خواهان حفظ موازنه در روابط خود با ایران و آمریکا بوده و هستند تا از این طریق از حمایت هر دو برخوردار شوند، اما همان‌گونه که مقامات اقلیم هم می‌دانند، با توجه به تقابل ایران- آمریکا حفظ چنین موازنه‌ای برای مقامات اقلیم بسیار دشوار است؛ چرا که نزدیکی بیشتر اقلیم به آمریکا می‌تواند در بلندمدت سردی روابط ایران- اقلیم را در پی داشته باشد.

عزت عیسی؛ مشاور اقتصادی نچیروان بارزانی، در رابطه با حفظ تعادل در روابط اقلیم با ایران و از سوی دیگر با آمریکا گفت: «کردستان و ایران مشترکات و ارتباطات زیادی با هم دارند، ما از دید سیاسی ایران را همیشه عمق راهبردی خود قلمداد کرده ایم ... ما در شرایط خاصی قرار داریم و میان دو قدرت قرار گرفته ایم: ایران و آمریکا. کوشیده‌ایم که میان این دو قدرت تعادل برقرار کنیم، اما به نظر من بسیار دشوار است که میان دو دولت مثل ایران و آمریکا در منطقه تعادل ایجاد شود. آنچه از دست ما برآمده این است که دوستی خود را با ایران حفظ کنیم و دشمن ایران نشویم و از سوی دیگر دوستی خود را با آمریکا حفظ کرده‌ایم. اما با اطمینان باید بگوییم که حفظ این تعادل برای ما بسیار سخت است ... ما گمان می‌کنیم که آمریکا نقش جهانی دارد و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند، از طرفی ایران هم نقش چشم‌گیری در منطقه دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.» (فصلنامه گفتگو، ۱۳۹۰، ۱۸۱-۱۸۰)

حضور پژاک و عناصر جدایی طلب کرد ایران در اقلیم

در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گروه‌های کرد ایرانی مانند اتحادیه میهنی برحسب منافع خود و متناسب با نحوه تعاملشان با ایران از کردهای مخالف جمهوری اسلامی حمایت می‌کردند، اما در ادامه اتحادیه نیز مانند پارتی در کنار ایران به مقابله با رژیم بعث عراق پرداخت و حتی پس از پایان جنگ هشت ساله دو حزب ملاحظیات امنیتی و حساسیت‌های ایران را در روابط خود با احزاب دموکرات کردستان ایران و کومله لحاظ می‌کردند. با گسترش حاکمیت دو حزب در اقلیم پس از ۱۹۹۱، انتظار می‌رفت اپوزیسیون کرد ایرانی اجازه فعالیت سیاسی - نظامی و رسانه‌ای علیه ایران را نداشته باشد، اما بررسی عملکرد حکومت اقلیم و احزاب مسلط بر آن نشان می‌دهد که رهبران کرد اقلیم در این خصوص حرکت پرفرازونشیبی داشته‌اند و با وجود اعمال برخی محدودیت‌ها در مجموع انتظار مقامات ایران را برآورده نکرده‌اند و اکنون پ.ک.ک و شاخه ایرانی آن پژاک با استفاده از موقعیت خود در اقلیم به سازمان‌دهی اقدامات سیاسی - نظامی و رسانه‌ای علیه ایران می‌پردازند و قطعاً در صورت محدودسازی این گروه‌ها توسط حکومت اقلیم آنها هرگز نمی‌توانستند سطح فعالیت خود را ارتقا داده و حتی به سایر کشورها نماینده اعزام کنند و دفاتر سیاسی به‌راه بیندازند. (حق پناه، ۱۳۸۷، ۱۳۷)

پژاک مخفف پارتیا ژبانی نازاد کوردستانی (حزب حیات آزاد کردستان) در چهارم آوریل ۲۰۰۳ در روز تولد عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک با دبیر کلی رحمان حاجی احمدی تاسیس شد. پژاک گروهک تروریستی چپ‌گرا در کردستان ایران است که طبق ادعای خود برای احقاق حقوق ملت کرد مبارزه می‌کند. این گروهک که از سوی ایران در فهرست گروهک‌های تروریستی قرار گرفته، از حمایت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا برخوردار است. فعالیت این گروهک بیشتر در مرز بین ایران، عراق، ترکیه، منطقه قلعه رش در استان آذربایجان غربی، منطقه اورامانات از توابع استان کرمانشاه و ایوان از توابع ایلام، مریوان و منطقه چهل چشمه از توابع استان کردستان و بخش شرقی کوهستان قندیل در کردستان عراق است.

این گروهک دیدگاه‌های مشترکی با صهیونسم دارد:

- معتقد است قرابت و نزدیکی خاصی میان برگزیدگان فرزندان بنی‌اسرائیل و کرد وجود دارد؛

- اعتقاد به وجود قابلیت‌های مشترک بین کرد و یهود؛
 - با همانندسازی ایدئولوژی صهیونیسم نقشی مانند یهود برای کرد قائل است؛
 - تفکر پژاک که نشان از اثرپذیری از تئورسین‌های یهود دارد، محصول فلسفه فکری مبتنی بر بینش صهیونیسم است؛
 - اعتقاد به جایگزینی نژاد کرد به جای یهود؛
 - ماموریت صهیونیسم باید به کردها واگذار شود؛
 - باید پیوند مشترک بین حکومت شمال عراق و رژیم صهیونیستی برقرار شود.
- (<http://www.sedayeshomal.com>)

امروز پژاک با ادعای حمایت از حقوق کردها وارد میدان مبارزه مسلحانه با ایران شده است، در حالی که بیشترین کسانی که از اقدامات مخرب این گروه ضربه می‌بینند کردهای مناطق مرزی هستند. پژاک با استفاده از شبکه روژ تی وی و رادیو مزوپوتامیا در خصوص مسائل کردستان بسیار فعال است و از این طریق سعی در جوسازی، تحت تاثیر قراردادن کردهای ایران و جهت‌دهی به افکار آنان در مخالفت با نظام دارد. این گروهک بخشی از درآمد خود را از آمریکا، بخشی از اقلیم و بخشی را از طریق قاچاق مواد مخدر، مشروبات الکلی و اخاذی از مردم منطقه تامین می‌کند و حدود ۸۰ درصد توسط این گروه از شمال عراق به مرزهای ایران قاچاق می‌شود. این گروه در قبال دریافت مبالغ کلان به قاچاق انسان با وعده کار در شمال عراق مبادرت می‌کند و با کمک دیگر گروه‌های منافق، انواع سلاح‌ها و تجهیزات نظامی را با هدف امن ساختن شهرها و مرزهای ایران وارد کشور می‌کنند. انفجار و تله‌گذاری در مسیر غیرنظامیان، حمله به نیروهای نظامی ایران، پاسگاه‌های پلیس و راهنمایی و رانندگی، حمله به کارمندان دولت مشغول راه‌سازی و آدم‌ربایی از دیگر اقدامات این گروهک تروریستی است، البته سپاه پاسداران بارها در پاسخ به حملات پژاک مناطق مرزی اقلیم را مورد حمله توپخانه‌ای قرار داده است که نمونه آن حمله توپخانه‌ای ایران به کانی سیف، جومارا و کاراسوزی متعلق به پنجوبین کردستان عراق است. در این رابطه، کوثری (عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی) اظهار داشت: «ما در درجه اول به دنبال آن هستیم که مسئولان منطقه کردستان عراق، گروهک

پژاک را از محدوده خودش بیرون کند، اما اگر این کار عملی نشود ما حق داریم هنگامی که یک گروهک تروریستی اقداماتی علیه امنیت ما در شمال غربی ایران می‌کند حتماً آن نقاط را گلوله‌باران کنیم و در آنجا عملیات انجام دهیم. اگر ما برای این کار تصمیم بگیریم آن را عملی خواهیم ساخت. اگر گروهک پژاک از بین نرفته یا توسط نیروهای شمال عراق اخراج نشده، به دلیل آن است که آمریکایی‌ها به آنها فشار می‌آورند که در آنجا بمانند تا هر موقع اراده کردند در قالب پ.ک.ک ترکیه را تحت فشار قرار دهند و در قالب پژاک ایران را. ما می‌دانیم در کدام مناطق از پژاک حمایت می‌شود.» (<http://www.tabnak.ir>)

برخورد دوگانه مقامات اقلیم با پژاک

در این میان مقامات اقلیم جز درخواست از ایران برای توقف این سلسله‌عملیات در جهت تامین امنیت مرزها و سرکوبی پژاک اقدامی انجام نداده‌اند. بی‌توجهی مقامات اقلیم نسبت به خراب‌کاری‌های پژاک و دیگر گروه‌های تروریستی تا جایی است که ناظم حسین از مسئولان حکومت اقلیم، برخی مقامات کردستان عراق را تسهیل‌کننده اقدامات گروه‌های کرد اپوزیسیون علیه ایران می‌داند وی گفت پس از فرار مرتب‌ترین گروهک تروریستی کومله از ایران، دستگاه اطلاعاتی حکومت اقلیم کردستان مکانی را برای این گروهک در روستای زرگویر واقع در جنوب سلیمانیه تهیه کرده تا در موقع فعالیت‌های تروریستی خود را در ایران انجام دهد. ... برخی از مسئولان اقلیم و اسرائیل برنامه‌ای را طرح‌ریزی کرده‌اند تا با هدایت دستگاه موسوم به دژه ترور، تروریست‌های کومله را مامور کنند تا فعالیت‌های خود را در مناطق کردنشین ادامه دهند» وی پس از این اظهارات برکنار و مورد برخورد شدید قرار گرفت. (<http://www.akamnews.com>)

طی سال‌های اخیر اظهارات سران اقلیم در خصوص نحوه و میزان برخورد با اپوزیسیون کرد ایرانی متفاوت و متناقض بوده و همین روشن نبودن موضع اقلیم نسبت به پژاک، روند مقابله با این گروه را کند ساخته است. پیش از پرداختن به دلایل عدم برخورد جدی اقلیم با پژاک، لازم است به چند مورد از بیانات سران اقلیم برای شناخت دیدگاه آنها نسبت به اپوزیسیون کرد ایرانی اشاره کنیم. طی دو سال گذشته ایران برای محافظت از مرزهای غربی خود پیشنهادهای

سه‌گانه‌ای را به اقلیم ارایه کرد مبنی بر اینکه:

- حد فاصل مرزها میان دو طرف منطقه ممنوعه اعلام شود که هیچ کدام از طرف‌ها حق ورود به این منطقه را نداشته باشند؛

- در مناطق مرزی دوطرف که نیاز به محافظت دارد حکومت اقلیم نباید به پژاک اجازه ورود بدهد؛

- حکومت اقلیم نیروهای خود را در مرزها جهت محافظت مستقر کند.

پس از ارایه این پیشنهادات، مسعود بارزانی اعلام داشت: «هیچ وقت فراموش نمی‌کنیم که در روزهای سخت مبارزه مردم ایران با دل‌باز از ما استقبال کردند. زمینه گسترش روابط مشترک و تقویت پیوندهای برادری میان دو طرف فراهم است و باید در سایه دوستی و برادری زندگی کنیم. با موافقت ایران و اقلیم گام لازم برای ایجاد امنیت در مرزها برداشته شد تا این مساله به شکل سابق تکرار نشود. این یک پیمان است و شکستن آن ساده نیست و امیدواریم دیگر این مساله خاتمه یافته و مرزها امن بمانند.» (<http://www.ebtekarnews.com>)

با اینکه بارزانی اعلام کرده بود اقدام لازم را جهت امنیت مرزها خواهد کرد و این مساله را یک پیمان دانست که شکستنش ساده نیست، چند روز پس از اظهارات نخستش ضمن مخالفت با فعالیت نظامی پژاک گفت: «پ.ک.ک و پژاک یک پیکره‌اند و این دو نمی‌توانند از راه جنگ و گلوله چیزی را به دست آورند و اگر ما نمی‌خواهیم آنها را از خاک کردستان بیرون کنیم، صرفاً به این دلیل است که جنگ کرد با کرد حرام است.» (<http://www.farsnews.com>, 1390)

وی در جای دیگری بیان داشت: «اجازه نخواهیم داد اقلیم کردستان قربانی فعالیت‌های نظامی برخی احزاب سیاسی شود ... اقلیم کردستان هیچ‌گاه از پ.ک.ک. و پژاک مسلح حمایت نکرده است ... درگیری‌ها و فعالیت‌های پ.ک.ک. و پژاک به نفع کردها نیست و موجب متشنج شدن اوضاع و برهم زدن امنیت اقلیم کردستان می‌شود.» (<http://www.kurdpress.com>)

ناظم دباغ نماینده اقلیم در ایران، هم‌خواهان انجام هرگونه اقدامی برای جلوگیری از فعالیت پژاک و تامین امنیت مرزهاست و هم نمی‌خواهد اقلیم با پژاک درگیر شود! وی گفت: «حکومت اقلیم آماده است هر اقدامی را در راستای آرام‌سازی اوضاع مرزها انجام دهد، حکومت اقلیم در پی آن است که پیش از هر کاری پژاک را از فعالیت نظامی منصرف و یا نیروهایش را از خاک

اقلیم خارج کند ... ما نه به درگیری با ایران و ترکیه و نه با پژاک و پ.ک.ک. خواهیم پرداخت و در صورت عدم ترک مرزها از سوی این گروه‌ها ما از مردم مناطق مرزی می‌خواهیم که این مناطق را ترک کنند.» (<http://www.kurdpress.com>)

هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق، و جلال طالبانی، رییس‌جمهور این کشور نیز ضمن محکوم نمودن اقدامات مخرب پژاک علیه ایران و تروریست خواندن این گروه، از آنها خواستند کوهستان‌های قندیل را ترک کنند و به بی‌ثباتی در مرزهای همسایگان خاتمه دهند. در این راستا نچیروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم، گفت: «من قبلاً هم گفته‌ام و باز تاکید می‌کنم که گروهک پژاک باید به سلسله‌عملیات مسلحانه خود علیه ایران خاتمه دهد. هم‌اکنون قربانیان اصلی اقدامات پژاک کردهای ایران و کردهای ساکن در مناطق مرزی کردستان عراق هستند. زیرا اقدامات پژاک به جز ایجاد فشار و سختی روی منطقه کردستان دستاوردی نداشته است، من فکر می‌کنم پژاک باید یک تصمیم قاطع بگیرد. از نظر ما این گروه باید به اقدامات مسلحانه خود خاتمه دهد و سلاح‌ها را زمین بگذارد.» (www.khorasannews.com)

عزت عیسی، مشاور اقتصادی نچیروان بارزانی، در خصوص محدودیت‌های اقلیم برای پژاک گفت: «ایرانی‌ها از ما کردهای عراق خواستی مشخص دارند و آن این است که مرز امن باشد و گروه‌های مسلح کرد ایرانی از مرز نگذرند و خاک کردستان را بر ضد ایران به کار نگیرند. ما این خواست ایران را اجابت کرده‌ایم و در طول مرز هیچ گروه مسلح کرد ایرانی حضور ندارد و همه این گروه‌ها به مناطق مرکزی اقلیم منتقل شده‌اند اما گمان می‌کنم مقداری اهمال هم شده ولی زمانی که متوجه این کوتاهی‌ها شده‌ایم به آن گروه‌ها فشار آمده که اقدامات خود را متوقف کنند اما سعی شده میان ایران و گروه‌های کرد تعادل برقرار شود؛ چرا که ایران دولت بزرگ و همسایه ماست. علاوه بر این با کردهای ایران هم‌نژاد هستیم و مرز مشترک داریم و بنابه دلایل بشردوستانه مانع ورود گروه‌های کرد ایرانی نشده‌ایم.» (فصلنامه گفتگو، ۱۳۹۰، ۱۸۲)

این اظهارات ضدونقیض مقامات اقلیم برای توجیه کوتاهی و اهمالشان در برخورد با پژاک و گروه‌های کرد ایرانی مخالف جمهوری اسلامی در حالی است که حکومت منطقه کردستان عراق سالیانه سه میلیارد و پانصد میلیون دینار از بودجه شهروندان خود را به گروه‌های اپوزیسیون کرد

ایرانی اختصاص می‌دهد:

- حزب دموکرات کردستان شاخه عبدالله حسن زاده ماهیانه ۵۵ میلیون دینار؛
- حزب دموکرات کردستان شاخه مصطفی هجری ماهیانه ۵۵ میلیون دینار؛
- حزب کومله شاخه عبد الله مهتدی ماهیانه ۵۰ میلیون دینار؛
- حزب کومله شاخه عمر ایلخانی زاده ماهیانه ۵۰ میلیون دینار؛
- حزب کومله شاخه ابراهیم علیزاده ماهیانه ۵۰ میلیون دینار؛
- پارت آزاد کردستان به رهبری علی قاضی ماهیانه ۴۵ میلیون دینار؛ و
- اتحادیه شورشگران به رهبری سمکو یزدان پناه ماهیانه ۴۵ میلیون دینار.

(<http://www.fardanews.com>)

در قبال این کمک‌ها طرفین تعهداتی را پذیرفته‌اند که بخشی از آن بدین شرح است: حدک و حدکا موظفند اطلاعات دقیقی را از مرزهای ایران، استقرار پ.ک.ک. در شمال و قنبدیل برای مقامات کردستان عراق ارسال کنند. در مقابل اقلیم متعهد می‌شود برای تمامی اعضای معرفی شده از جانب حدک و حدکا تابعیت (شناسنامه و پاسپورت) عراقی فراهم آورد و زمینه حمایت دیپلماتیک آنها را در همه زمینه‌ها و در تمام دنیا فراهم کند و در صورت فشار ایران برای اخراج این گروه‌ها از شمال عراق مانند بحث پادگان اشرف و منافقین، اقلیم کردستان زیر بار دولت مرکزی نرفته و از این احزاب حمایت کند. (<http://mobasherun.ir>)

مهم‌ترین دلایل عدم برخورد جدی اقلیم با پژاک

- با توجه به بحث فوق و مروری بر مهم‌ترین اظهارات سران اقلیم در مورد پژاک، عمده‌ترین دلایل عدم برخورد جدی اقلیم با پژاک را می‌توان در چند محور زیر خلاصه نمود:
- عدم اتفاق نظر رهبران کرد در نحوه و میزان برخورد با پژاک؛
- هم‌نژاد خواندن اعضای پژاک در عین تروریست دانستن آنها؛
- حفظ سطحی از روابط با این گروه برای استفاده از آنها به‌عنوان اهرم فشار در مواقع لزوم؛
- ضعف نیروهای اقلیم در کنترل مرزها و برخورد با گروه‌های تروریستی؛ و

- فشار آمریکا و اسرائیل بر اقلیم برای تساهل در مقابل این گروه‌ها تا جایی که جرج مالبرتو، سرمقاله‌نویس روزنامه فرانسوی فیگارو، نوشت: «آمریکا و رژیم صهیونیستی از همکاری مخالفان کرد ایرانی مقیم کردستان عراق برای ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی بهره می‌برند.» (<http://www.asromid.com>)

مساله امنیت مرزها همواره طی تاریخ برای کشورها مهم بوده و هست و این مساله برای ایران با اشغال عراق اهمیتی دوچندان یافته و چنانچه عاملی سبب ناامنی در مرزهای ایران شود می‌تواند به تیرگی روابط بینجامد، لذا چنانچه اهمال و یا چشم‌پوشی مقامات اقلیم از اقدامات مخرب گروه‌های اپوزیسیون مقیم اقلیم علیه ایران ادامه داشته باشد، روابط ایران با اقلیم نیز به‌رغم روابط دوستانه طی دهه‌های گذشته و پیوندها و اشتراکات فراوان محافظه‌کارانه خواهد ماند و چه‌بسا بی‌توجهی رهبران کرد نسبت به امنیت و کنترل مرزها در بلندمدت روابط دوستانه ایران - اقلیم را تحت‌الشعاع قرار دهد، بنابراین انتظار بر این است که سران اقلیم با درک حساسیت‌های ایران محدودیت‌های بیشتری را بر پژاک و گروه‌های مانند آن اعمال کنند و یا حداقل تسهیل‌کننده اقدامات مخرب آنها علیه ایران نباشند.

دیدگاه‌های استقلال طلبانه برخی رهبران کرد

در یک دسته‌بندی کلی دیدگاه‌های رهبران کرد در باب استقلال را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

یک. برخی همچون مسعود بارزانی استقلال را حق مسلم کردها و در راستای اصل حق تعیین سرنوشت می‌دانند و پی‌گیر مطالبات خود هستند. او گفت: «استقلال کردها باید از طریق گفت‌وگو و تفاهم با ملت‌های همسایه برقرار شود ... مجال به آغاز دوباره جنگ و درگیری نمی‌دهم و غیر از استقلال برای هیچ هدف دیگری اجازه نمی‌دهم خون جوانان کرد ریخته شود.» (<http://www.kurdpress.com>)

دو. برخی مانند طالبانی رییس‌جمهور عراق و دبیر اتحادیه میهنی، شرایط کردها را در نظام فدرالیستی عراق مطلوب ارزیابی کرده و با نگاهی واقع‌بینانه و با درک شرایط و معضلات اقلیم

به دنبال استقلال از عراق نیستند، وی به عنوان فردی که نفوذ بسیاری چه در بین کردها و چه عراقی‌ها دارد، همواره به دنبال حفظ تمامیت و یک‌پارچگی عراق بوده و بارها به سران اقلیم متذکر شده است که صحبت از استقلال تنها می‌تواند شرایط را متشنج کرده و حساسیت کشورهای هم‌جوار را نسبت به کردستان عراق برانگیزد. وی گفت: «۹۵ درصد کردهای عراق به قانون اساسی تأییدکننده فدرالیسم در این کشور رای مثبت داده‌اند. من همیشه این مثال را مطرح کرده‌ام اگر کردستان عراق اعلام استقلال کند، عراق، ترکیه و ایران نیازی به اعلام جنگ ندارند بلکه تنها اگر به بستن مرزهای خود اکتفا کنند ما در این صورت چه کنیم؟ به آسانی محاصره می‌شویم. هیچ یک از نیازهای اقتصادی و زیرساخت‌ها در کردستان عراق وجود ندارد. پس از سقوط صدام در شهر سلیمانیه تنها پنج میلیونر وجود داشت اما امروز تعداد این افراد به ۲۹۰۰ نفر رسیده است، قبلاً در سلیمانیه تنها یک دانشگاه وجود داشت و اکنون این رقم به ۲۰ دانشگاه افزایش یافته، فکر می‌کنم برای یک کرد عاقل همین کفایت کند.» (<http://rahedaneshjou.ir>)

سه. برخی نیز رویای کردستان مستقل را در سر دارند، اما شرایط فعلی را برای بیان این مساله مناسب نمی‌دانند که می‌توان به عزت عیسی معاون اقتصادی نچیروان بارزانی اشاره کرد: «در حال حاضر هیچ پروژه سیاسی و هیچ آمادگی جدی برای جدایی از عراق در حریم وجود ندارد، جدایی در این دوره به ویژه در منطقه‌ای مانند خاورمیانه بی‌رضایت و شناسایی منطقه خاورمیانه و همسایگان کردستان کاری دشوار است و عملی شدن آن سخت است.» (فصلنامه گفتگو، ۱۳۹۰، ۱۸۰) حتی عبدالامیر روکابی، رهبر جنبش ملی دموکرات عراق، در پاسخ به تهدیدات مسعود بارزانی برای جدایی از عراق گفت: «از کردها تقاضا می‌کنم از بحث اعلام استقلال و ایجاد دولت کردی دست بردارند؛ زیرا الان موقعش نیست و کار درستی هم نیست و این مساله اگر دوباره مطرح شود، پیامدهای ناگواری برای کردها خواهد داشت و ما کردها را همچون ملت خویش می‌دانیم و آنها را بخشی از عراق به حساب می‌آوریم ... هم‌اکنون موقعش نیست چون نه در وضعیت داخلی خوبی هستیم و نه از وضعیت اقلیمی و بین‌المللی خوبی برخورداریم.» (<http://www.kurdpress.com>)

در مجموع می‌توان از موضع‌گیری‌های رهبران کرد چنین استنباط کرد که دستیابی به

استقلال امروز همچون چند دهه پیش ذهن مردم کرد را به خود مشغول نکرده و اکنون مسائل دیگری مطرح است که استقلال طلبی را برای کردها بی معنی کرده و در واکنش به این تفکر غالب در اقلیم مسعود بارزانی طی مصاحبه‌ای بیان داشت: «این نکته برای من جای سوال دارد که چرا وطن برای مردم کرد کم‌اهمیت شده، آنان در گذشته حاضر بودند همه چیز خود را در راه کردستان فداکنند.»

علت این است که شرایط امروز کردها با آنچه در دهه ۱۹۸۰ یا ۱۹۹۰ با آن روبه‌رو بودند بسیار متفاوت شده است. امروز دیگر خبری از بمباران مناطق کردنشین و انجام عملیات انفال روی آنها و در یک کلام خبری از زورگویی بغداد به کردها نیست. کردها اکنون پارلمان، حکومت، درآمد و قدرت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و تمام آن چیزی را دارند که شاید ده سال پیش رویای یک کرد بود. اکنون حقوق سیاسی و اجتماعی کردها تا حدود بسیاری در عراق محترم شمرده می‌شود و حالا مردم کرد به توسعه، رفاه اجتماعی، بهبود وضعیت اشتغال و تحصیل می‌اندیشند و دلیلی نمی‌بینند که برای دستیابی به رویای کردستان بزرگ! همه آنچه را که طی سال‌ها زحمت و جانفشانی به دست آورده‌اند، دوباره از دست بدهند. شاید اشاره به دیدگاه آمریکا و اسرائیل در باب استقلال کردستان عراق خالی از لطف نباشد

موضع آمریکا در خصوص استقلال کردستان عراق

یکی از دلایل موضع‌گیری دوگانه آمریکا و اسرائیل با استقلال کردهای عراق موقعیت جمعیتی شیعه در عراق است، به این معنا که در صورت تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کرد، جمعیت شیعیان عراق از ۶۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش می‌یابد و در این صورت به ازای تشکیل یک حکومت حامی اسرائیل، شاهد شکل‌گیری یک حکومت شیعه در عراق هستیم که می‌تواند تهدیدی بالقوه برای موجودیت اسرائیل و منافع آمریکا باشد. جان پاتریک از کارشناسان سیا در خصوص برخورد دوگانه آمریکا با استقلال کردها گفت: «در داخل جغرافیای ترکیه و در کل منطقه چیزی به نام کردستان مستقل به وجود نخواهد آمد و چنین چیزی خلاف خواست و راهبرد آمریکاست. حتی اندیشیدن به استقلال کردها موازنه سیاسی جهان را به هم می‌ریزد. آمریکا

به شدت بر این موضوع اصرار دارد که مرزهای موجود در هر چهار کشور ترکیه، عراق، سوریه و ایران حفظ شود و منطقه کردنشین عراق به‌عنوان مهم‌ترین و قدرتمندترین کانون قدرت سیاسی کردها، موقعیت فعلی خود را حفظ کند. (<http://www.kurdpress.com>)

اسرائیل نیز با تشکیل دولت کرد مخالف نیست، اما معتقد است تشکیل چنین دولتی غیرممکن است و مهم‌ترین علت آن هم مخالفت کشورهای منطقه با استقلال کردهاست، به‌علاوه این مساله به تعداد مشکلات منطقه می‌افزاید. به‌همین جهت با وجود عدم مخالفت صریح رژیم صهیونیستی با استقلال اقلیم، عملاً هیچ کمکی در این خصوص به شمال عراق نمی‌کند. در واقع کردستان عراق به جهت وجود ترکیه از درجه دوم اهمیت برای اسرائیل برخوردار است. بنابراین رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند اهداف و خواسته‌های خود را در حالت فعلی کردستان خودمختار پی‌گیری کند.

سیمور هرش (روزنامه نگار آمریکایی): «هدف اصلی فعالیت‌های اسرائیل در شمال عراق، به وجود آوردن یک میدان حرکتی در مقابل ایران و سوریه و همچنین مقاومت‌کنندگان عراقی است و اسرائیل به پیش‌مرگان کرد آموزش لازم را برای کسب اطلاعات از تاسیسات هسته‌ای ایران و خراب‌کاری در آن می‌دهد.» (<http://aryayac.com>)

دیگر ظرفیت‌های گسترش روابط ایران و شمال عراق

یک. به‌کارگیری دیپلماسی علمی - فرهنگی در کردستان عراق

امروزه دیپلماسی علمی - فرهنگی به اندازه دیپلماسی سیاسی - اقتصادی دارای اهمیت است و خود می‌تواند زمینه تحکیم مناسبات را فراهم آورد. آنچه زمینه‌ساز حضور علمی - فرهنگی ایران در کردستان عراق می‌شود، آشنایی مردم کرد با فرهنگ و زبان ایران طی سال‌های پناهندگی در ایران است. اکنون از هر سه کرد یک نفر فارسی را خوب می‌داند و با فرهنگ ایرانی آشنایی دارد و این نزدیکی را کردها نه با ترکیه و سوریه دارند و نه با آمریکا و اسرائیل. متأسفانه چنین پتانسیلی برای حضور گسترده‌تر ایران در شمال عراق طی سال‌های گذشته از دید مسئولین دور مانده و برنامه‌ریزی منسجم و خاصی برای بهره‌برداری از آن صورت نگرفته است.

با این حال طی دو سال گذشته اقداماتی در راستای گسترش حضور علمی - فرهنگی ایران در این منطقه صورت پذیرفته که تاسیس دفتر همکاری‌های علمی - فرهنگی ایران و اقلیم را می‌توان نقطه عطفی در این راستا دانست. در انجام این مهم، جذب دانشجو و داوطلبان کرد عراقی برای ورود به دانشگاه‌های ایران، برگزاری دوره‌های بازآموزی کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای استادان و پژوهشگران کرد، تاسیس پژوهشکده‌های علمی در حوزه‌های مختلف و انجام پروژه‌های علمی مشترک با دانشگاهیان کرد عراقی و برگزاری نشست‌های فرهنگی و علمی منظم و دائمی طرفین و برگزاری المپیادهای علمی - دانشجویی در شاخه‌های مختلف می‌تواند موثر باشد.

دو. میانجی‌گری در حل اختلافات اربیل - بغداد

عمده اختلافات اربیل بغداد در چهار محور مناطق مورد مناقشه در جنوب اقلیم مانند کرکوک، مسائل مربوط به نفت و گاز، نیروهای پیش‌مرگه و سهم اقلیم از بودجه کشور قابل بررسی است.

- مناطق مورد مناقشه در جنوب اقلیم مانند کرکوک

مساحت کل اقلیم بدون احتساب مناطق مورد مناقشه ۵۶۰۰۰ کیلومتر مربع و با احتساب این مناطق ۸۵۰۰۰ کیلومتر مربع است. اکنون اقلیم بر مناطق اربیل، سلیمانیه، دهوک و قسمت‌هایی از نینوا و دیاله حکومت می‌کند و مناطق کرکوک و قسمت‌های بزرگی از دیاله و نینوا و صلاح‌الدین مورد مناقشه بین اقلیم و بغداد هستند، اما مناقشه برای کرکوک که از نفت‌خیزترین نقاط عراق محسوب می‌شود، بیشتر از سایر مناطق است.

کردها بر اساس سه استدلال کرکوک را بخشی از اقلیم می‌دانند، اول اینکه به لحاظ زمین‌شناختی هیچ مانع کوهستانی کرکوک را از مناطق کردنشین منفک نمی‌کند؛ و دوم به لحاظ جمعیتی اکثریت جمعیت کرکوک را تا پیش از عربی‌سازی این مناطق توسط حزب بعث کردها تشکیل می‌دادند؛ و سوم اینکه آثار تمدن کردی در کرکوک فراوان است. طبق قانون اساسی عراق این مناطق می‌بایست در ۲۰۰۷ با رای مردم ساکن در آن تعیین سرنوشت می‌شد، اما هنوز دولت مرکزی شرایط را برای اجرای قانون مهیا نکرده است.

– مسائل مربوط به نفت و گاز

حکومت اقلیم با این استدلال که طبق قانون اساسی، نفت و گاز عراق متعلق به همه ملت است، اقدام به فراخواندن شرکت‌های بین‌المللی در منطقه تحت امر خود کرده است تا به کشف و استخراج نفت بپردازند، کردها پول حاصل از فروش نفت را مانند سراسر عراق به بغداد واریز می‌کنند با این حال بغداد همواره مخالفت خود را با این قراردادها اعلام داشته و آنها را غیرقانونی می‌داند، نه به این خاطر که سود کمتری عاید بغداد می‌شود، بلکه به این جهت که بغداد نمی‌خواهد کردستان عراق به استقلال اقتصادی برسد و از این طریق کردها از مطالباتشان مانند الحاق کرکوک به اقلیم نیمه خودمختار و دریافت سهم بیشتر از بودجه صرف‌نظر کند.

۱۷۹

به تازگی نیز بغداد اعلام کرده از هزینه شرکت‌های بین‌المللی نفتی فعال در اقلیم که بالغ بر چهار میلیارد دلار برآورد شده است، تنها ۷۵۰ میلیون دلار را می‌پردازد و در واکنش به این اقدام، اربیل نیز به دنبال فروش مستقل نفت و راه‌اندازی خط لوله‌ای به ترکیه برای ارسال نفت به بازارهای اروپایی است. اکنون اقلیم دارای ذخیره‌ای بالغ بر ۴۴ میلیارد بشکه نفت خام معادل یک‌سوم کل ذخایر نفتی عراق است و اکنون روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت از طریق کامیون به ترکیه صادر می‌کند، با وجود این، اختلافات نفتی اربیل - بغداد با انعقاد دو قرارداد نفتی بین اربیل و اکسون موبیل در شش حوزه که دو حوزه آن در مناطق مورد مناقشه است، بیشتر شد.

– مساله نیروهای پیش‌مرگه

اقلیم کردستان خواهان آن است که بغداد اجازه دهد به جای نیروهای دولت مرکزی و ارتش عراق، نیروهای پیش‌مرگه در مناطق مورد مناقشه همچون صلاح‌الدین، نینوا و دیاله به استقرار امنیت بپردازند و به علاوه سازمان‌دهی، حمایت مالی و تسلیحاتی نیروهای پیش‌مرگه از سوی دولت مرکزی صورت گیرد، همچنین بخشی از بودجه نیروهای نظامی عراق به پیش‌مرگه‌ها تعلق گیرد، اما مساله اینجاست که طرفین به توافق خاصی بر سر اینکه چگونه می‌توان نیروهای پیش‌مرگه را به بخشی از ارتش عراق از نظر سازمان‌دهی و دریافت بودجه تبدیل کرد، نرسیده‌اند.

– سهم اقلیم از بودجه کشور

طبق قانون اساسی عراق تمامی مناطق دولت فدرال باید بودجه مربوط به خود را داشته باشند. طبق توافقات بودجه اقلیم ۱۷ درصد تعیین شده، اما در این رابطه دو مساله موجب تنش بین طرفین شده است؛ یکی اینکه بغداد گاهی به بهانه‌های مختلف، اربیل را تهدید به عدم پرداخت بودجه می‌کند و یا به دنبال این است که این مقدار را به ۱۳ درصد کاهش دهد و این مساله موجب می‌شود اقلیم نتواند به تعهدات و وظایف خود در قبال شهروندانش عمل کند؛ و دیگر اینکه کردها مدعی‌اند دولت مرکزی بر اساس آمارهای جمعیتی متعلق به دوره بعضی‌ها سهم کردها را از بودجه تعیین کرده، بنابراین خواهان افزایش سهم خود مطابق با افزایش جمعیت کردها هستند.

از آنجا که اختلافات اربیل – بغداد بیشتر از آنکه نیازمند راه‌کارهای قانونی و حقوقی باشد، با گفت‌وگو و توافقات سیاسی حل شدنی است، دو کشور ایران و آمریکا که بیشترین منافع و حساسیت را به لحاظ سیاسی در عراق دارند، همواره سعی کرده‌اند برای جلوگیری از تبدیل شدن به جنگ داخلی در عراق، به ارایه راه‌حل‌ها و پیشنهادات و در مواقع لزوم میانجی‌گری بین طرفین بپردازند. در این راستا ایران با توجه به نفوذ و رابطه حسنه‌ای که با هر دو طرف دارد، بارها برطبق خواسته مسئولین عراقی سعی در حل اختلافات اربیل-بغداد داشته که نمونه آن میانجی‌گری در حل پرونده طارق الهاشمی است.

الهاشمی به دلیل آشکار شدن دست داشتنش در ترور مقامات عالی‌رتبه عراقی مورد پیگرد قانونی قرار گرفت و به کردستان عراق گریخت و مقامات اقلیم از استرداد وی به بغداد سر باز زدند. در این میان ایران به خواست طرف عراقی، هیاتی را به عراق روانه ساخت که با جلال طالبانی، مسعود بارزانی و طارق الهاشمی دیدار کند. هرچند مساله آن‌گونه که انتظار می‌رفت حل نشد، اما به هر حال ایران نشان داد می‌تواند در حل بحران در عراق موثر باشد و از مداخله بی‌جای قدرت‌های خارجی با بهانه‌های مختلف جلوگیری کند، که البته این پتانسیل نیز هنوز جای تقویت دارد.

آمریکا نیز به دنبال آن است که به بهانه کردها و اختلافات آنها با دولت مرکزی دوباره در

عراق مداخله کند و با میانجی‌گری‌های خود همه چیز را به دست بگیرد؛ چراکه برای آمریکا مهم آن است که روند سیاسی عراق مثبت پیش برود تا ایالات متحده بتواند از دستاوردهای محدود اشغال عراق حراست کند و از این طریق وجهه بین‌المللی خود را ارتقا دهد. نمونه میانجی‌گری آمریکا در اختلافات اربیل و بغداد به زمانی برمی‌گردد که بغداد پس از تشکیل فرماندهی نیروهای دجله در شهریور ۱۳۹۰ مقرر آنها را در کرکوک قرار داد و مسئولیت حفظ امنیت در صلاح‌الدین و دیاله را به عهده آنان گذاشت. طرح فرماندهی دجله منجر به خشم مقامات کرد شد؛ چراکه بغداد نیروهای خود را در مناطق مورد اختلاف مستقر ساخته بودند. بنابراین رییس اقلیم دستور دارد نیروهای پیش‌مرگه به حالت آماده‌باش برای هرگونه مقابله باقی بمانند. در این زمان جو بایدن، معاون اول اوباما، و چند تن از مقامات ایران برای حفظ ثبات و آرامش و جلوگیری از بروز جنگ داخلی در عراق بین طرفین اختلاف میانجی‌گری کردند.

حل اختلاف بین احزاب کردی

گذشته از میانجی‌گری بین اربیل - بغداد، کردها از ایران انتظار دارند به‌عنوان دولت دوست و کشوری که قدرت و نفوذ لازم برای حل اختلافات بین احزاب کردی را داراست، در مواقع لزوم نقش فعالی را در نزدیک کردن گروه‌های کرد ایفا کند؛ همان‌گونه که در بین گروه‌های شیعه چنین اقدامی را انجام می‌دهد. ایران می‌تواند از این خواست کردها حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد؛ چراکه کردها چنین اعتمادی را نسبت به دیگر کشورهای منطقه و فرامنطقه ندارند. در این راستا جعفر ابراهیم از مسئولان حزب دموکرات اظهار داشت: «کومله اسلامی کردستان دوست ایران است، اتحاد اسلامی ارتباط خوبی با ایران دارد و حتی ایران در تاسیس تلویزیون هاتی پیام و سپیده همکاری خوبی با آنان داشته است. همچنین جنبش گوران نیز دوست نزدیک ایران است. البته ما (حزب دموکرات) و اتحادیه میهنی نیز دوست نزدیک ایران هستیم ... ایراد این است که چرا ایران فعالیت بیشتری برای نزدیک کردن گروه‌های کرد به یکدیگر نمی‌کند ... ایران می‌تواند نقش قوی‌تری ایفا کند تا ناسازگاری‌هایی که در اقلیم وجود دارد به مسیر بدتری نرود ... بله ایران فعال نبوده است به خصوص در بحث آشتی و پیوند دادن به نیروها. ما می‌دانیم که ایران

در بین شیعیان چنین کاری می‌کند تا با هم هماهنگ باشند ... ایران می‌تواند چون قدرت اخلاقی، معنوی و مذهبی آن را دارد. به این دلیل اصلاً شایسته ایران نیست که این تجربه از بین برود.» (فصلنامه گفتگو، ۱۳۹۰، ۳۴-۳۳)

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد روابط جمهوری اسلامی ایران و کردهای عراق از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲ و پتانسیل‌ها و چالش‌های روابط فیمابین مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور به موانع گسترش روابط اقتصادی طرفین از قبیل نگاه امنیتی ایران به اقتصاد، درآمدهای نفتی ایران، صادرات کالاهای با کیفیت نامناسب به اقلیم، شناخت ناکافی طرفین از ظرفیت‌ها و امکانات موجود اقتصادی و ... و موانع سیاسی گسترش روابط نظیر نفوذ آمریکا و اسرائیل در اقلیم، تشکیل و تسلیح گروهک پژاک توسط آمریکا - اسرائیل و دیدگاه‌های استقلال طلبانه رهبران کرد اشاره شد. همچنین ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های روابط ایران - اقلیم مانند به کارگیری دیپلماسی علمی - فرهنگی، میانجی‌گری ایران در حل اختلافات اربیل - بغداد و میانجی‌گری ایران در حل اختلافات کردی اشاره شد.

علاوه بر این به اهداف اسرائیل از نفوذ در شمال عراق (طرح اسرائیل بزرگ)، منافع رژیم صهیونیستی (دسترسی به نفت، آب، شکستن محور مقاومت، کنترل جریان‌های فکری، کسب مشروعیت و ...)، اقدامات این رژیم در شمال عراق (تسلیح اپوزیسیون کرد و آموزش نظامی به آنها، خرید و تصاحب اراضی در این منطقه، ایجاد رعب و وحشت برای مسیحیان کلدانی ساکن اقلیم) و زمینه‌های حضور اسرائیل در شمال عراق مانند سکولاریسم کردها، حضور یهودیان کرد و اختلافات اعراب و کردها و حساسیت‌ها و نگرانی‌های ایران نسبت به این حضور اشاره شد.

مجموعه مباحث مطروحه نشان می‌دهد طی سه دهه گذشته همان‌گونه که ایران سعی در بهبود و گسترش روابط با کردهای شمال عراق داشته، آمریکا و اسرائیل نیز هرکدام به طریقی به منظور دستیابی به اهداف خود در این ناحیه از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند و همین مساله سبب شده طی سالیان گذشته روابط ایران و کردهای عراق حول چهار محور شکل گیرد: اول

مخالفت با تجزیه عراق و تبدیل شدن حکومت کردی به دولتی مستقل؛ دوم حفظ سطحی از روابط با اقلیم برای پاسخ گو کردن کردهای عراقی در قبال تحولات منطقه، مسائل مرتبط با امنیت مرزهای غربی ایران و فعالیت اپوزیسیون مسلح کرد ایرانی؛ سوم ممانعت از تبدیل شدن شمال عراق به پایگاه آمریکا - اسرائیل جهت ضربه زدن به ایران؛ و چهارم ممانعت از سرایت گرایش‌های قوم‌گرایانه پان کردی به کردستان ایران.

از میان چهار محور فوق‌الذکر، مساله پژاک و حضور اسرائیل در خاک اقلیم همواره حساسیت بیشتر ایران را برانگیخته و در سطح روابط ایران - اقلیم موثر بوده است، به طوری که هر گاه مقامات کرد همکاری مطلوبی را برای سرکوبی پژاک و محدودسازی اقدامات خرابکارانه اسرائیل داشته‌اند شاهد بهبود روابط ایران - اقلیم بوده‌ایم، اما زمانی که اقلیم نسبت به نگرانی‌های ایران بی تفاوت بوده، دوره‌ای از سردی روابط طرفین را شاهد بوده‌ایم.

در مجموع، با اینکه سیاست‌های کنونی اقلیم در جلب حمایت آمریکا - اسرائیل و حمایت غیرمستقیم از پژاک، ایران را به انجام اقدامات تدافعی برای کاستن از اثرات منفی این سیاست‌ها وامی‌دارد، باید توجه داشت که اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه و تدافعی ایران نه تنها سبب می‌شود کردهای شمال عراق بیش از پیش به سمت قدرت‌های فرامنطقه‌ای کشیده شوند، بلکه می‌تواند ایران را از ظرفیت‌های موجود در اقلیم غافل کند و متقابلاً کردها نیز حمایت دوست دیرینه خود را از دست خواهند داد، لذا انتظار می‌رود طرفین ضمن توجه به ظرفیت‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی خود و در نظر داشتن پیشینه روابط درخشان و مثبت، به حل موانع موجود پرداخته و زمینه لازم را برای استفاده بهتر از فرصت‌های موجود فراهم کنند. اکنون علی‌رغم فراز و فرودها به نظر می‌رسد با ظهور داعش و احتمال حیات بلند مدت آن در منطقه شامات و بین‌النهرین، ایران و اقلیم کردستان بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک شده‌اند. این قرابت استراتژیک به سرعت و سهولت بعضی اشتباهات تاریخی (از جمله رادیکال مسعود بارزانی علیه بغداد) را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی (۱۳۹۰)، «کردستان عراق هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۶۰.
۲. بهمن‌آبادی، شهلا (۱۳۹۱)، «نقشه‌های اسرائیل در کردستان عراق»، ۱۳۹۱/۲/۱۹، کد خبر ۲۹۰۹.
۳. حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۴. روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۱/۷/۲۶)، شماره ۲۷۶۳.
۵. سازمند، بهاره، نوری کریمی و علی حسنیپور (۱۳۹۰)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و حکومت اقلیم کردستان: زمینه‌های گسترش همکاری»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۸، ش ۲.
۶. شیخ‌عطار، علیرضا (۱۳۸۲)، کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جلد اول (عراق)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۷. «ایران و اشتهی میان گروه‌های اپوزیسیون»، فصلنامه گفتگو، شماره ۵۸، ۱۳۹۰.
۸. «سرمایه‌گذاری خارجی در کردستان عراق»، فصلنامه گفتگو، شماره ۵۸، سال ۱۳۹۰.
9. <http://www.akamnews.com>
- «مسعود بارزانی از وابستگی قلبی خود به اسرائیل سخن گفت»، ۱۳۹۱/۱۱/۲۹.
- «پیشمرگان تروریست کومله در کردستان عراق آموزش می‌بینند»، ۱۳۹۱/۷/۳، کد خبر ۴۵۱.
10. <http://aryayac.com>
- «استراتژی اسرائیل در کردستان عراق»، ۱۳۹۱/۳/۱۷، کد ۳۵۰۶۱۱.
11. <http://www.asromid.com>
- «حضور صهیونیست‌ها در کردستان عراق»، ۱۳۹۰/۷/۲۶، کد خبر ۱۴۵۰۳۸۹.
12. <http://www.bazarkhabar.ir>
- «امضای قرارداد نفتی شرکت آمریکایی با کردستان عراق»، ۱۳۹۱/۴/۳۱، کد خبر ۲۹۱۸۹.
13. <http://www.bultannews.com>
- «کردهای عراقی دوستانی برای تمام فصول»، ۱۳۹۱/۸/۲۲، کد خبر ۱۱۰۱۴۹.
14. <http://www.ebtekarnews.com>
- «توافق بارزانی و صالحی در تهران»، ۱۳۹۰/۸/۸، کد خبر ۸۹۴۴۱.
15. <http://www.fardanews.com>

- «کمک میلیاردي اقليم كردستان عراق به گروه‌های معارض ایرانی»، ۱۳۹۱/۱/۱۶، کد خبر ۱۹۵۶۹۴
16. <http://www.farsnews.com>
- «مصائب سرمایه‌گذاران کرد در بدو ورود به ایران»، ۱۳۹۱/۵/۸؛
- «دغدغه‌های مسعود بارزانی در تهران چیست»، ۱۳۹۰/۸/۸، کد خبر ۱۶۸۶۴۶.
17. <http://iieda.gov.ir>
- «ایران مهم‌ترین شریک تجاری اقليم كردستان عراق است»، ۱۳۹۱/۸/۲۳، کد خبر ۲۳۸۰؛
- «دیدار نخست‌وزیر اقليم كردستان با رییس‌جمهور»، کد خبر ۲۲۷۴؛
18. <http://www.islamtimes.org>
- «چرا مقامات آمریکایی برای مسعود بارزانی فرش قرمز پهن کردند»، ۱۳۹۱/۲/۱۸، کد خبر ۱۵۹۶۶۹؛
- «مسعود بارزانی حضور آمریکا را در كردستان عراق اطمینان‌بخش خواند»، ۱۳۹۱/۳/۲۱، کد ۱۷۸۱۵۲.
19. www.khorasannews.com
- «هشدار معاون رییس اقليم كردستان عراق به گروهک تروریستی پژاک»، ۱۳۹۰/۶/۸، کد خبر ۱۷۹۲۱.
20. <http://www.kurdpress.com>
- گزارش کردپرس از دبورت کالاهای نامرغوب ایران از اقليم كردستان، ۱۳۹۰/۱۲/۲۰، کد خبر ۲۳۶۸۷؛
- محمد حاجی‌محمود: «خواهان حضور بیشتر ایران در كردستان عراق هستیم»، ۱۳۹۱/۹/۱۰، کد خبر ۳۵۵۸۵؛
- گزارش کردپرس از کنفرانس خبری روزنوری شاپویس و علی سعیدلو، ۱۳۹۱/۵/۳۱، کد خبر ۳۰۷۶۵؛
- «کنسول‌گری آمریکا در اقليم كردستان خدمات بیشتری ارائه می‌دهد»، ۱۳۹۱/۱/۱۷، کد خبر ۲۴۶۳۱؛
- «پ.ک.ک و پژاک فعالیت‌های نظامی خود را در مرزهای اقليم كردستان پایان دهد»، ۱۳۹۰/۶/۱۶، کد ۱۳۲۲۵؛
- «پیشنهاد سه گانه ایران به مقامات اقليم كردستان برای کنترل مرزها»، ۱۳۹۰/۶/۲۲، کد خبر ۱۳۵۷۴؛
- «شرط بارزانی برای مجوز خون»، ۱۳۹۱/۲/۷، کد خبر ۲۵۵۲۰؛
- «عبدالمیر روکابی: اگر بارزانی اعلام استقلال هم بکند طالبانی در مقابل وی خواهد ایستاد»، ۱۳۹۱/۱۰/۴، کد خبر ۳۶۶۳۸ و
- «تحلیل کارشناسی سیا درباره کردهای آمریکا، عراق و پ.ک.ک»، ۱۳۹۱/۱۲/۱۳، کد ۴۱۱۴۳.
21. <http://mobasherun.ir>
- «توافقات ضد انقلاب کردی با اقليم كردستان علیه ایران و سوریه»، ۱۳۹۱/۵/۲۵.
22. <http://www.nedayeenghelab.com>
- «جاسوسی گسترده علیه ایران، ناگفته‌هایی از حضور اسرائیل در كردستان»، ۱۳۹۱/۱/۱۲، کد خبر ۳۷۰۹۶.

23. <http://rahedaneshjou.ir>

- «جلال طالبانی: شیعیان عراق پیرو ایران نیستند»، ۱۳۹۱/۹/۱۹، کد خبر ۶۰۲۳

24. <http://www.sedayeshomal.com>

- «آشنایی کامل با گروهک تروریستی پژاک»، ۱۳۹۰/۵/۱۵، کد ۱۱۵۷.

25. <http://www.semnan.irna.ir>

- «خیز بلند جمهوری اسلامی ایران برای حضور اقتصادی قوی در اقلیم»، ۱۳۹۱/۸/۲۸، کد خبر ۸۰۴۲۰۰۲۴

26. <http://www.shamsevelayat.com>

- «افشای طرح سری موساد در عراق»، ۱۳۸۷/۱۲/۱۸، کد خبر ۴۵۹۸۷

27. <http://www.tabnak.ir>

- «اعلام اسامی مناطق استقرار گروهک پژاک»، ۱۳۹۰/۴/۲۷، کد ۱۷۷۷۲۱.

28. <http://yalasarat.com>

- «تجزیه‌طلبی را نفی می‌کنیم»، ۱۳۹۰/۸/۱۹، کد خبر ۱۴۵۰۶